

**سخنرانی شیخ عزالدین حسینی**



ما اجازه نخواهیم داد که دیگر دیکتاتوری به ایران بازگردد و ارتجاع حکومت نماید. مذهبی که مردم را در مقابل هم فرار دهد و آنها را استعمار کند، مذهب الهی نیست.

● خود مختاری برای کردستان در چهارچوب ایران آزاد.

شیخ عزالدین حسینی ۴ روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت بنا بدعوت وزیر کشور همراه با هیئت از روحانیین مبارز گرد وارد تهران شد. همراهان وی ۱۰ امام جمعه ها و نمایندگان نقده، سقز، مهاباد، اشکنه، مرگه و ورتکه و رودزده و لسه (اطراف ارومیه) هستند.

شیخ عزالدین حسینی صبح روز جمعه ۲۸ اردیبهشت در سالن ورزش دانشگاه صنعتی شریف سخنرانی پر شور و ایران کرد که متن کامل آنرا در زیر میخوانید. قبیل از سخنان وی، مقداری در شرح زندگی بعضی از شهدای خلق کرد، سخنرانی شدوسپس راهای ونیزونی نایند جمعیت کردهای مقیم مرکز سخنانی درباره لزوم خود مختاری برای کردستان در چهارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک ایران کرد.

امام جمعه نقده سخنان پندی بود که پیش واقعتا ر رودان خونین و دردناک نقده پرداخت و به افشگری بسر علیه شایعاتی که دستهای ناپاک عوامل امپریالیست و ارتجاع برای انحراق اذهان، پخش میکنند، پرداخت.

بقیه در صفحه ۳

**مصاحبه بایکی از رهبران انقلاب عمان**



رفیق عبدالعزیز القاضی:  
انقلاب مقوام  
صفحه ۲

**درباره مسئله ملی (۴)**

- با توجه به شرایط کنونی سرنوشت جنبشهای فکری بکجا خواهد کشید؟
- سیاست سیستم حاکم در قبال مسئله ملی چیست؟
- نتیجه گیری:

مبارزه خلقهای ایران برای اخلاق حقوق ملیسی مبارزه ایست بر علیه ۵۷ سال زورگوشی و ستمگری رژیم وابسته به امپریالیسم که تعدیات و توهین های بی شماری نسبت به فرور و احساسات و ... ملی خلقها وارد ساخته، و همواره سعی نموده است که از طرفی اساسا مسئله ملی و حقوق ملیتها را انکار نماید و از طرف دیگر با دروغپردازیها و سمبانی های ارتجاعی - شونیمیتی خود هرگونه کوشش در جهت کسب حقوق ملیسی را تجزیه طلبی قلمداد کرده، ذهن توده ها را نسبت به آن مفلوحن گرداند. این مبارزات علاوه بر دفاع از ملیت و حقوق ملی، ناگزیر از رویارویی با امپریالیسم نیز میباشد که با حاکمیت و نفوذ خود در تمامی بطنه های اقتصادی و سیاسی، نظامی و فرهنگی میبندد بنا به منافع غارتگرانه و استثمارگرانه اش مناطق ساکن ملیتها را در عقب ماندهگی فاحشی نگه داشته و حتی اطلاعات ارضی نیم بند خود را نیز در این مناطق به اجرا نگذاشته است هنوز مناسبات مستعبدانه و ناقابل سرمایه داری در این مناطق باقی مانده و حتی در بعضی مناطق وجه غالب مناسبات تولیدی را دارد.

مبارزه خلقها برای اخلاق حقوق ملیها دلانسه و برحق خود، جز جدائی ناپذیر انقلاب دموکراتیک و فتح امپریالیستی خلقهای ایران میباشد. این مبارزات بسر خلاف تصور شتونیمیتها ی کوشه نظر و ابله بورژوازی، به صورت خلقی لاساعه و مرفا در دوران بعد از قیام بوجود نیامده بلکه در تمام طول ۵۷ سال گذشته بطور مداوم و لاینقطع، گاه آشکار و گاه پنهان وجود داشته و خلقها همواره بر علیه حاکمیت نفوذ امپریالیسم و شونیم رژیم وابسته به امپریالیسم پهلوی مبارزه میکردند.

بقیه در صفحه ۵

- تظاهرات به پشتیبانی از شیخ عزالدین حسینی ۷
- اعتصابات و مبارزات کارگری ۶
- پیام به سازمان چریکهای فدایی خلق ۳
- گرامی باد خاطره مجاهدین شهید ۳
- کمیته مرکزی حزب توده و مطبوعات مترقی
- مبارزه در راه رادیو تلویزیون آزاد
- یورش به مطبوعات گامی دیگر در راه تعرض به آزادی است

**پیکار**

دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۸  
شماره ۱۰ ربال

**مواسم صدمین سالگرد تولد دکتر مصدق**

ماست بعد از ظهر شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه بمناسبت صدمین سالگرد تولد رهبر ملی ایران، دکتر محمد مصدق که بنام روز دفاع از آزادی بیان و اندیشه نامیده شد دهها هزار نفر از انسانهای که دلهاشان بخاطر آزادی و استقلال میهن می تپد در دانشگاه صنعتی (شریف) گسرد آمدند. این مراسم به ابتکار جبهه دموکراتیک ملی ترتیب یافته بود.

سخنان و شمارهای شرکت کنندگان در مراسم گویای این واقعیت بود که مردم آزاده ما حاضر نیستند در برابر فشارهای فاشیستی و تلافیهای ارتجاع و امپریالیسم برای بقیه در صفحه ۷

**درباره وحدت**

● دضعف اساسی جنبش کمونیستی؛  
تشتت و عدم ارتباط سیاسی تشکیلاتی با طبقه کارگر

در شماره قبل برخی از دیدگاهها و نقطه نظرات موجود در سطح جنبش کمونیستی را در باره وحدت نیروهای م.ل. و بروسه تشکیل حزب طبقه کارگر، مورد بررسی و ارزیابی قرار داده و گفتیم که اکنون از نظریه دودب- گاه انحرافی در سطح جنبش کمونیستی در باره وحدت وجود دارد که هر یک با حرکت از پایگاه و مواضع غناس خود علاحدت نیروهای م.ل. را مورد تردید قرار داده و آنرا بتسویق می اندازد.

دیدگاه اول، ناظر بر اینست که شرط اول به وحدت نیروهای م.ل. در شرایط فعلی، تامین ارتباطات گانیک این نیروها با طبقه کارگر بوده و هرگونه وحدتی را بدون تحقق چنین شرطی، بوجدت از بالا و نوعی سرهم بندی روشنفکرانه تلقی میکند. این دیدگاه همانطور که قبلا اشاره کردیم، از آنرو که "امروحدت" و "پیوند" با طبقه کارگر را نه بعنوان دو جز و دو بخش کاملا مرتب و وابسته به هم، بلکه این دو را علا بعنوان

بقیه در صفحه ۲

**سرمقاله**

**چرا آزادی بیان می ترسند؟**

توطئه بز علیه مطبوعات و نویسندگان 'مشهدت' تجاوز دیگری بود به قلمرو آزادی. این عمل قلمب تمام کسانی را که نسبت به آزادی و استقلال میهن عشق می ورزند به لوزه درآورد و انسانهای آزاده ای را که در ضمن ده ها تظاهرات عظیم خود در زمان رژیم شاه، خاش، بارها و بارها آزادی ملی و مطبوعات را به عنوان یکی از خواستههای اصلی خود مطرح ساخته بودند، بیش از پیش نسبت به سرنوشت آزادی نگسران ساخت.

این هجوم جدید به حرم آزادی زمانی صورت می-گیرد که خلقهای ما برای آگاه شدن به توطئه های امپریالیسم و ارتجاع، برای شرکت در مجلس مؤسسان ... به نقای مساعی، برای افشگری و برخورد با حقایق و عقاید مختلف نیازمندند ...

آنها که این هجوم را تدارک دیدند و آنها که از این هجوم برای رسیدن به مقاصد فردی خود سود می جویند، قبل از این نیز سعی کرده اند حقایق عظیم تر و بزرگتری را از دیدگان خلق بپوشانند زیرا که آنها از افشای حقایق در هراسند.

آنها به عنوان دولت موقت، در حالیکه سه ماه از قیام پر شکوه خلقها می گذرد، هنوز حاضر نشده اند، از هزاران سند و قرارداد تنگین نظامی سیاسی- اقتصادی حتی بگسند را برای آگاهی دقیق خلق نسبت به آنچه که در راهن خون داده است، در اختیارش بگذارند. بدین ترتیب آنها تا بحال بزرگترین سانور را برای پوشیده ماندن توطئه های امپریالیستی جاسز شمرده اند.

آنها در جواب توده های که خواهان لغو لغو ری و آگاهی بر مفاد این قراردادها ی تنگ آور هستند، جمع نظور قراردادها، اطاق های در بسته، و وکلای آمریکائی را نشان می دهند. و اعلام می دارند که به همراه وکلای آمریکائی در اطاق های در بسته این قراردادها ی نظور را مورد مطالعه قرار خواهند داد تا نسبت به لغو آنها تصمیم بگیرند.

اما شاهکاری که آنها بین از سه ماه و اندی که از عمر دولت موقت می گذرد، زنده اند نشان میدهد که چه توطئه تنگ آوری را برای خلق ما تدارک دیده اند. آنها قبل از این مدت از میان هزاران قرارداد

ادامه از صفحه اول

دو الترناتیو در مقابل یکدیگر قرار میدهد. نه تنها ما نمی‌جای در راه وحدت جنبش کمونیستی ایجاد نمیکند، بلکه ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کارگر را بدلیل انفرادی و جدائی طلبی گروهها، عملاً دچار وقفه و اختلال مینمایند. و باز اما فراموش کردیم که این دیدگاه بطوریکه مانع و بدون توجه به اهمیت نقش مبارزه ایدئولوژیک، اساساً روی "بانه کارگری" این پارتی گروه تکیه کرده و از ارتباط ارگانیک نه تلفیق و آموزش تئوری سوسیالیستی با جنبش خودبختی طبقه کارگر، بلکه عمدتاً ارتباط فیزیک و واکنش کمونیستی با طبقه را مورد نظر دارد.

دیدگاه دیگری که ظاهراً با دیدگاه اول متضاد بنظر میرسد، دیدگاه "اشتلاف" یا "اتحادیه سیاسی" است که طرفداران آن مطرح میکنند که میتوان با توافق بر سر یک برنامه و منشور سیاسی مشترک فعالیت خود را در زمینه های مختلف کارگری و دموکراتیک هماهنگ ساخت و از این طریق زمینه سیاسی و ایدئولوژیک و عملی مناسب را برای تشکیل حزب فراهم ساخت. این دیدگاه همانطور که در شماره پیشین به آن اشاره شد:

اولاً با در دستور قرار دادن یک سری همکاریه‌های سیستماتیک و ایجاد یک طبقه سیاسی ایدئولوژیک نمیتوان اشتلاف و جان نشین کردن آن بجای "وحدت سیاسی" ایدئولوژیک و تشکیلاتی نیروهای م.ل. مانع از تحقق و بسط سرانجام رسیدن امر وحدت این نیروها شده و با توجه تشکیلاتی، استقلال گروهها، در واقع این دیدگاه آنچنان طرف تشکیلاتی ای ارائه میدهد که در آن نه تنها با انحرافات نظری سکتاریسم، گروه‌گراشی... مبارزه نمی‌شود، بلکه زمینه مناسبی نیز بسوی رشد و انباشتن این نیروها بوجود می‌آید و در نتیجه جدا-گیروبرگانه‌گی نیروهای م.ل. همچنان پادمانه پدید می‌آید. ثانیاً طرح اشتلاف بجای پرداختن به مبارزه ایدئولوژیک و تأمین وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی نیروی م.ل. با تأکید بکجاست به بر جنبه‌های تفاهم و اشتراک نظر و وارد شدن در یکسری فعالیت‌های مشترک در پی یک دوره و سرگرم شدن به آن. وحدت جنبش کمونیستی را به تأخیر می‌اندازد.

ثالثاً در این دیدگاه، بدلیل عدم توجه به مبارزه ایدئولوژیک و مشخص شدن جنبه‌های وحدت و اشتلاف، همواره فرورفت و اولویت تعیین برنامه و سیاست قبل از ورود به مبارزه با یکدیگر، به فراموشی سپرده میشود که نتیجه آنشاید به حرکت خودبختی و غیر آگاهانه گروهها و احکامات اشتقاقی، شش و شش و غیره گامی بر نتوانست. و اما دیدگاه اشتلاف همواره چشم بر امکانات موجود دارد و بجای حرکت از این موضع که "چه باید کرد؟" به "آنچه میتوان انجام داد" دلگوشی میدهد که نتیجه آن چیزی جز ادامه فرود کارهای گذشته و متوقف ماندن امر وحدت نخواهد بود.

در مقاله قبل، همچنین اشاره کردیم که دیدگاه "مکئی" بر ارتباط ارگانیک "آنها که در برابر شش، پراکندگی و فرودگاریها موجود در جنبش کمونیستی و بعنوان واقعیت تلخ روبرو میشود و در عین حال پاسخ مناسبی برای آن ندارد (چرا که از قبل خود را با آن پیش شرط گذاش خلع سلاح کرده است)، چاره‌ای جز آن ندارد که برای تسکین موقت این بیماری همان دارویی را تجویز کند که طرفداران طرح اشتلاف بنا آن موافقت دارند و این راهی است که همواره بر سربرآورد طرفداران این دیدگاه وجود دارد و تصادفی هم نبوده و نخواهد بود که ما مدافعین این دو دیدگاه را علی‌رغم اختلاف در نقطه عزیمتشان در پایان کار و در کنار یکدیگر مشاهده میکنیم.

همانطور که مشاهده میشود نقطه اشتراک این دو دیدگاه و را میتوان در کم بهادان به مبارزه ایدئولوژیک و برنامه و سیاست پرولتری و در واقع دیده گرفتن نقش

م.ل. و اولیه جنبش وحدتی ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با طبقه است بدون پیوند با طبقه و وحدت سازمانی نه فرورفتی دارد و نه استحکامی و بهمین جهت جنبش وحدتی نمی‌تواند انکسار واقعی خواستهای پرولتری را ممکن سازد و با آنی از هم پاشیده خواهد گشت اما آیا اگر دیدگاه تشکیلاتی محال با مارکسیست - لنینیست مکرول به ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با پرولتاریا، این بدان مفهوم که محال با مارکسیست - لنینیستی که در جهت ارتباط با پرولتاریا موعوم گیری کرده اند نمی‌توانند و

عمر آگاه و اهمیت آن و تسلیم در قبال حرکت خود - بخودی (دیدگاه اکونومیستی) و همچنین تأکید و با توجه جدائی و استقلال گروهها (دیدگاه سکتاریستی) و ادامه شش و پراکندگی آنها غلامه نمود.

# دیدگاه برنامه سازمان ما درباره وحدت نیروهای مارکسیستی - لنینیستی

جنبش کمونیستی ما امروز از دو وضعیت اساسی رنج میبرد: عدم ارتباط سیاسی - تشکیلاتی آن با جنبش کارگری و پراکندگی و شش و میان خود نیروهای این جنبش بدون تردید، و ضعف فوق، در ارتباط با لاینک با یکدیگر قرار داشته و لازم و ملزوم یکدیگرند شش و پراکندگی در جنبش کمونیستی خود معلول جدائی نیروهای م.ل. از جنبش طبقه کارگر میباشد. در حالیکه پیوند با جنبش کارگری خود نیاز مند وحدت هرچه بیشتر نیروی م.ل. با یکدیگر میباشد.

در شرایط کنونی که جنبش کمونیستی ما در آن قرار دارد، یعنی شش و ایدئولوژیک و سازمانی نیروهای وابسته به این جنبش و نداشتن ارتباط لازم سیاسی - تشکیلاتی آن با طبقه کارگر از یک سو و مجموعه وظایف متعددی که رشد جنبش کارگری و دموکراتیک (بخمودی) در جریان قیام نیمه و پس از آن (در برابر کمونیستها) قرار داده است. در چنین شرایطی روشن است که هیچ نیروی م.ل. نمی‌تواند اهمیت وحدت را مورد انکار قرار دهد. بر این اساس، ایجاد حزب و طبقه مرکزی و محوری کمونیستها را تشکیل میدهد.

حزب به مفهوم واقعی آن، از تلفیق تئوری سوسیالیستی با جنبش خود بخودی طبقه کارگر بوجود می‌آید. ایجاد چنین جنبش کمونیستی به وسیله یک یا چند گروه محدود کمونیستی و نه جدا از شرکت فعال در زندگی و مبارزات روزمره طبقه کارگر امکان پذیر خواهد بود. حزب در پروسه سمت گیری ارتباط و پیوند بیشتر نیروی م.ل. با جنبش کارگری و بردن ایدئولوژی و سیاست پرولتاریائی بنیادین این جنبش از یک سو و مبارزه ایدئولوژیک این نیروها در لاین و دودن ایدئولوژی - های غیر پرولتری در سطح جنبش کمونیستی و در همین رابطه وحدت سیاسی ایدئولوژیک و تشکیلاتی نیروهای م.ل. از سوی دیگر است.

بنحیضه ما قرار دادن وحدت و با چند گروه کمونیستی در نقطه مقابل طبقه پیوند این گروهها با طبقه کارگر و مکرول ساختن امر وحدت نیروهای م.ل. به امر ارتباط سیاسی - تشکیلاتی این نیروها با طبقه کارگر همانطور که قبلاً نیز اشاره کردیم، ناشی از یک دیدگاه اکونومیستی و در عین حال سکتاریستی است، چرا که لاین دیدگاه نقش عمر آگاه را مغفوش نموده و سرچرمان وحدت را که یک عمل آگاهانه و ناخودآگاه این دیدگاه است به یک مجرای کاملاً خود بخودی می‌اندازد و نتیجتاً جدائی و پراکندگی را بر طوف جنبش کمونیستی تحمیل می‌نماید.

ما همچنین اعتقاد به آن ایده‌ای را که ظاهراً برای از بین بردن پراکندگی موجود در میان کمونیستها و بر اساس وحدت نسبی موعوم سیاسی ایدئولوژیک، یک دوره "اشتلاف" یا "اتحادیه سیاسی" را تبلیغ میکنند تا در ست نهادنیم. این ایده و این نقطه نظر نیز از آن جهت که طی یک دوره "ظرف" "محمل" تشکیلاتی خاصی را پیش شرط و مقدمه وحدت نیروهای م.ل. قرار داده آنرا بصورت یک الترناتیو در مقابل وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی گروهها، ف.ل. در میان ما بر استقلال سیاسی و سازمانی آنها تأکید مکی و رز د، دیدگاهی فرا کمونیستی و نه با حق سکتاریستی است. ما معتقدیم که در جریان مبارزه ایدئولوژیک برای تأمین وحدت ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی، گروههای م.ل. باید و میتوانند با یکدیگر همکاری‌های اشتراکیت‌آمیز، اما این همکاری می‌بایست در خدمت وحدت و در

سخت مبارزه ایدئولوژیک برای تسریع و تحقق بخشیدن به امر وحدت باشد و نه جانشینی بجای وحدت. به نظر ما هیچگونه مانع و رادعی برای وحدت گروهها شیکه با شناخت نسبتاً کافی از یکدیگر (که این شناخت میتواند از طریق برخورد با نقطه نظرات سیاسی و ایدئولوژیک گروهها و عملکرد و فعالیت آنها در گذشته و حال و بخصوص در دوران مبارزه ایدئولوژیک - و فعالیت‌های مشترک در صحنه جنبش بدست آید) در اساسی ترین زمینه‌های ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی وحدت نظر دارند. وجود خواهد داشت.

ما همچنین معتقدیم که همواره مسائل درجه چندمی وجود داشته و دارند که اختلاف بر سر آنها نمیتواند مانع از وحدت تشکیلاتی گروهها با یکدیگر بشود. آنچه که اهمیت دارد، وحدت بر سر مسائل عمده و اساسی است و نه الزاماً وحدت بر سر هرگونه مسائل فرعی و جزئی، اینگونه اختلافات میتواند در درون یک سازمان نیز وجود داشته باشد اما طرح پیشنهادی ما بر اساس این دیدگاه از وحدت عبارت خواهد بود از ایجاد "سازمان واحد کمونیستی" که حتی بقدر مجموع نیروهای این جنبش کمونیستی را که ما دفاع در جهت ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کارگر میکنند و بر سر مسائل مشترک سیاسی و ایدئولوژیک و تشکیلاتی وحدت پیدا کرده‌اند، در بر میگیرد. این سازمان، الزاماً بستنی آن نیست که در سرگیرنده تمام نیروهای جنبش کمونیستی باشد، وجهی سا که ما در آینده و بدینا لیکدوره "مبارزه ایدئو - لوزیک" با توجه به گرایشات و نظرات سیاسی - ایدئو - لوژیک مختلف در سطح جنبش کمونیستی، با دو و یا چند قطب (مرکز) سازمان واحد کمونیستی روبرو باشیم که هر یک از این مراکز عموماً زمینه جذب این پارتی گروه و تشکل م.ل. باشد و طبیعتاً در چنان شرایطی هر گروه و تشکل با توجه بوحثت سیاسی - ایدئولوژیک خود با هر یک از این مراکز، بطور غالب، دیگر محملی برای حفظ استقلال گروهی خود نخواهد داشت و در واقع بدون مرز بندی دقیق سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی با هر یک از این مراکز هیچگونه توجهی برای بی‌ریزی تشکل مستقل وجود نخواهد داشت. همچنین "سازمان واحد کمونیستی" مورد نظر ما، الزاماً "تفصیلاً" جزئی، تفصیلاً که در شماره پیشین اشاره کردیم، نبوده و میتوان آنرا بصورت

نقطه و گام اولیه‌ای برای حزب طبقه کارگر و حرکت آگاهانه‌ای در جهت تسریع و تحقق موعوم اشتقاقی و پاکسازی جنبش کمونیستی از انحرافات گروهگرا باشد و سکتاریستی و جهت فعالیت در میان طبقه کارگر بر اساس آورد هم اکنون با توجه بویخت نظر نسبی که در بسیاری از اساسی ترین خطوط ایدئولوژیک و سیاسی در میان بسیاری از نیروهای م.ل. با هدف یک موعوم و بدینا لیکدوره و با توجه به زمینه‌ها و ضرورت‌های جنبش در برابر این نیروها قرار داده است، هرگونه محافظه کاری و مطالبی بهیمن جهت فراهم ساختن شرایطی که بتواند بوحثت کامل این نیروها کمک بشنماید، مردود و محکوم است. البته این امکان وجود دارد که بدینا لیکدوره و با چند گروه کمونیستی و در جریان برآیک انقلابی، اشتقاقیات وحدتی - های صورت پذیرد، این امر هیچبهره نخواهد توجهی به جدائی کنونی گروهها از یکدیگر باشد. چرا که بصورت اشتقاقیات، چند تشکیلاتی و اختلافات، بعد از وحدت چند گروه و حتی تشکیل سازمان واحد، با تلفیق و پراکندگی کنونی که بر ما زانها وجود دارد، جنبش کمونیستی حاکمیت دارد و حاصل یک شش و شوریک و ایدئولوژیک در درون جنبش کمونیستی و فقدان مبارزه ایدئولوژیک سازمان یافته و جهت دار است، ما هیئت تفاوت داریم.

بدون تردید در جریان قطب بندی‌های آتی، سالم ترین و انقلابی ترین نیروها بر اساس موعوم مشترک پرولتری و با طرد جریان‌های انحرافی و اپورتونیستی از صفوف خویش، سازمان و تشکل را بوجود خواهند آورد که از کیفیت و توان بسیار بالاتری برخوردار بوده و به بهترین تشکل زمینه برای ایجاد حزب طبقه کارگر فراهم خواهد نمود. درباره اهمیت این سازمان واحد و ولاتر و وحدت پیشنهادی ما، در شماره های آینده با هم سخن خواهیم گفت.

محافل سیم‌هز روی نیروها و امکانات می‌شود. در حالیکه اتحاد اینگونه، تضاد و هماهنگی فعالیت آنها میتواند به پیشبرد نفوذ سیاسی - تشکیلاتی ما در میان کارگران و همچنین توده‌ها کمک شایانی بکند. بهمین جهت محافل مارکسیست - لنینیست در کردار با بنیست منته شو ند تا از این طریق با هماهنگ کردن فعالیت‌های خود و جلوگیری از هرز روی نیروها و امکانات، نیرو و امکان وسیعتری برای تبلیغ و تحریک و سازماندهی نیروها و

نیاید متحد شوند و نیروهای خود را هماهنگ سازند؟ با لحن این محافل هم میتوانند هم باید متحد گردند زیرا برقراری ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با پرولتاریا مستلزم فعالیت وسیع و همه جانبه ای است که از دیده محافل جدا از هم ساخته نیست. امکانات محافل میز و غیر مرتبط با یکدیگر نمیتواند تبلیغ و ترویج و سازماندهی توده‌های وسیع کارگزارانی را که هر روز بیشتر به ضرورت اتحاد و تشکل می‌یابد تشکاف کند و علاوه بر این فعالیت‌های خود و غیر متمرکز این گروه

اعقاب دمکراتیک و رهبری پرولتاریا "سازمان آزادی طبقه کارگر" ص ۲۲ - ۲۸

در شرایطی که فحاشی نوم فاش شده است تا با با لاهی سباحتها بر فراز میهنان بگستراند ، در شرایطی که میوه چنان انقلاب و انقلابیون وارداتی ، قلمه های ضد مردمی خود را بر پایه های نه چندان محکم چهل و نهم ، این میوه تلخ سالیهای سباه خلفان و دیکتاتوری ، بنا گذاشته اند تا بدست آوردهای خلق - انسان که شاهدیم - هجوم آورند . بر ماست که با شجاری و شجاعت ، چنانکه بایسته هر انقلابی

انوشه فضیلت کلام ، این فرزندان خلف خلق ، در شرایطی که هم اکنون ۲۲ تن از رفقا بمان نیز در زندان ارتجاع آنها در " بهار آزادی " به پادشاه نشسته اند ، تجدید عهدی است که از سالها پیش ، با خلق خویش بسته ایم . سالهاهی که بقدرت رسیدگان اسرور ، در کنج لانه های ترس و زبونی ، خزیده و به انتظار چنین روزی تشرین دولتمداری میگردند .

رفقا! با درودی سی پاهان به شهدای که در چنین روزی جان خود را وشقه رهائی خلق از بوغ بندگی و سرگی نهادند ، همدردی و پشتیبانی قاطع ما را بپذیرید .

گرامی باد غاظره شهدای ۱۵ آزادی مستحکم باد بیوند نیروهای انقلابی

گرامی باد غاظره غایب شهید محمدصفت شاد، سعید حسن،

اصغر بیخ زادگان ، محمود عسکری زاده و رسول مشکین فام

جهانم خرداد تجلی دیگری از دلاریها و صداقتها ی فرزندان راستین خلق ماست ، جهانم خرداد الهام بخش آنان است که در راه زحمتکشان خلق روهائی و بهر روزی آنان از سورجان خوش میگذرند .

جهانم خرداد با نام مجاهدین عزیز چون محمد و سعید واصغر و محمود و رسول بر تارک انتخابات و مجاهدت های انقلابیون ایران میدرخشد .

جهانم خرداد با زبانت شکست انگیز صداقت و صمیمیت انسانهای ارجمندی است که در مبارزه با امپریالیسم و رژیم دست نشانده آن در ایران از هیچ کوششی فروگذار نکردند و در ایفای رسالت انقلابی خود از هر خطری با آغوش باز استقبال کردند و جز به رهائی خلق نیندیشیدند

انقلابیون که در طول چندین سال مبارزه سخت و خاموش خود ، در آن دوران سیاهی که آیه های یاس از هر طرف میبارید ، در آن زمانه که پیروزی در نظر بسیاری از مدعیان مبارزه ، شعله ک سوئی از دورم نبود پیروزی خلق و شکست دیوان امپریالیسم و ارتجاع را چون خورشیدی تابناک دیدند و بهیوی آن نخب زنده ، ره گشودند و در راه آن جان باختند

فریاد آنها در میدان گاههای رژیم سفاک شاه دایر بر اتحاد با دیگر نیروهای انقلابی هنجشان در فضای میهن ما طنین انداز و الهام بخش است . فریاد آنها افشاکر زمره ها و نعره های تفرقه افکنانه و رسوا کننده مدعیان درویش خلایق از مجاهدین نیز هست .

تلاش صادقانه آنان در راه سازمانده ی یک تشکیلات انقلابی برای مبارزه سازش ناپذیر با دشمنان خلق شست محکم است بر دهان اصلاح طلبان ، واخوردگان و تن- آسیایان و ترسوهای دوزخ که امروز مزورانه بر کرسیهای قدرت ( کرسیهای که بر روی اجساد شهیدان قرار گرفته است ) بن هیچ شایستگی انقلابی تکیه زده اند و بر ریشه

یادشان گرامی باد .

جهانم خرداد روز شهادت این اولین زینندگان مجاهد ناقوس بیبیداری برای همه انانی است که در آشوب فرصت طلبیهای موجود در جستجوی کشف حقیقت اند . این شعل های نوروزان صداقت انقلابی را عزیز بد ایم ، و در راه پیروزی آرمان انقلابی آنها در جهت محو کامل سلطه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه کنیم . یادشان گرامی باد .

است ، در تحکیم و تقویت صفوف خود مددانه و مسئولانه بکوشیم . گرامی داشت سالروز شهیدانمان رفقا ، حسین فاطمی ، میثرا بلبل مفت ، ناصر شایگان شام اسی ، ارزنگ شایگان شام اسی ، لادن آقا ، فاطمه شانه جی ، سپهروز ارفمانی ، فرهاد مدنی ، مدینه غروی ، فاطمه غروی ، اسماعیل عابدینی ، مهسوس حاضی ، غلام عباس زرکاری ، احمد رضا قنبرپور ،

کند \* ما پشتیبانی خود را از تمام آزادخواهان جهان اعلام میداریم \* ما پشتیبانی خود را از ملت فلسطین اعلام میداریم \* ملت کرد درود خود را به ملت فلسطین میفرستد . من به جمعیت محترم کرد های مقیم مرکز توشیه من نمایم که بیشتر باهم متحد شوند و نگذارند عوامل ارتجاع در میان آنها بشام اسلام و فیروزان در دستگی ایجاد کند ، چون این دولت سگی به زبان خلق کرد و خلقهای ایران خواهد بود \* باید تحت عنوان کرد و کردستان همه باهم متحد شوند ، و خلقهای ایران باید زیر عنوان ایران بودن و مسلمان بودن و آزاد میخواهی دست به

دست هم برای اتحاد بدهند و تفرقه اندازان و گروه سازان نباید اجازه داشته باشند که مارا از هم جدا کنند و تفرقه بیندازند و حکومت نمایند \* ما هنگامی میتوانیم به سعادت برسیم که باهم متحد باشیم و در راه آرمان حقه و آرمان خود تلاش و مبارزه نمائیم \* آرمان ما آزادی و مساوات و برابریست ما باید جامعه ای بسازیم که جامعه مرفه حکومت کرد و فرود در درون جامعه زندگی بنماید . ما اجازه نخواهیم داد که دیگری دیکتاتوری به ایران بازگردد و ارتجاع حکومت نماید ، خواه در هرلیاس باشد و در هر شیوه ای و در هر حکومتی باشد . ما ارتجاع و استبداد را محکوم میکنیم \* (لرا از احساسات شدید حضار و فریاد های درود بر حسین ) ما به همبراداران خود ، آن رایجا - نی ، بلج ، فارس و هفده خلقهای ایران توصیه نمائیم که دست و دست بدست هم دهند و همبها مبارزه را ادامه دهند تا همه حقوق حقه خود ، مکخود بختاری را در چارچوب ایران آزاد و دموکراسی استیبرند .

من از جمعیت کرد های مقیم مرکز و جمعیت آن رایجانسی مقیم مرکز مسئلت دارم که دست اتحاد ، بدست هم بدهند و باهم همکاری کنند و با سایر جناحهای شرقی و گروههای شرقی و احزاب شرقی همبستگی بیشتری داشته باشند و نگذارند بیگانه و بیگانه پرستان از اختلاف ملی و اختلاف نژادی سوء استفاده بکنند و مردم را در مقابل هم قرار بدهند .

مذهب و مسلک همه برای سعادت انسان است . مذهبی که مردم را در مقابل هم قرار دهد و آنها را دشمن بکند آن مذهب ، مذهب الهی نیست (لرا از احساسات شدید حضار و فریاد های درود بر حسین ) \*

ما ارتجاع و جمود را در هرلیاس کماشند محکوم میکنیم \* جمود مذهب و جمود سیاسی و تمصبات کورگانه مذهب و سیاسی و تفرقه های محکم بینمائیم ( فریاد های صحیح است ) ما میخواهیم ملت ایران سرزشت خود شان در دست خود شان باشد . چون ملت ایران رشد سیاسی و رشد اجتماعی دارد و وحدت بلوغ رسیده است ، بنابراین قیم نینخواهد .

ما اجازه نمی دهیم که دیگر بیگانگان بر ما حکومت کنند و مواهب خداداد ما را بظلمات بپزند ما امپریالیسم جهانی را محکوم می نمائیم و هرگز اجازه نمی دهیم دیگر - به ایران بازگردد . ما به روحانیت شرق و مذهبین که در راه خدمت به مردم باشد ارجح من نهیم \* ما مذهبیکه که فضیلت و تقوی و راستی و آزادی را برای ما به ارمان میآورد ارجح من نهیم و اورا گرامی میداریم \* ما به همه گروههای شرقی که در راه مردم و سعادت ملت ایران و حقوق خلقهای ایران گام بر میدارند ارجح من نهیم و از آن پشتیبانی میکنیم \* (گف زدن حضار)

من درود خلق کرد را به شما همبستان عزیز ، فارس و ترک و سایر برادران ایرانی من فرستد \* خلق کرد همیشه با ایران بوده و از ایران جدانیت و این انسانانه تجزیه طلبی را ما محکوم میکنیم \* ما هیچگاه از ایران جدانیتیم \*

ما پیوند خود ما را به پیوند خلق کرد را با خلق آن رایجان را با خلق عرب و با خلق بلوچ و با خلق فارس مستحکم تر می نمائیم \* ما خود بختاری خود را در چارچوب ایران میخواهیم \* و از راه مذکوره \* مبارزات ملت خلق کرد هیچگاه از مبارزات خلقهای ایران جدا نیست .

در خاسته درود خود را به تمام شهدای ایران ، شهدای خلق ایران میفرستد ( حضار ، درود ، درود ، درود ) از خداوند شمال مسئلت دارم که همه خلقهای ایران را

را تایروزی توفیق دهد \* که ایران آباد و ایران آزاد و ایران دموکراسی که حقوق همه خلقهای ایران را دربر داشته باشد ، توفیق دهد و همه ما را بسلامت بدارد \* خدا حافظ

حضار با ابراز احساسات شدید و فریاد های درود بر حسین تایید خود را از سخنان آیت الله شیخ عزالدین حسین اسلام نمودند .

ادامه از صفحه اول شیخ عزالدین ...

در این اجتماع ، حدود ده هزار نفر از طبقات و اقشار مختلف مردم گرد آمده و شنیدند نسبت به شیخ عزالدین - حسین - این مبارز دلیر و واقعا خلقی کردستان - ابراز احساسات کردند \* پشتیبانی بی دریغ خود را از مبارزات بر حق خلق کرد و تمامی خلقهای مبارز ایران ، اعلام کردند .

بسم الله الرحمن الرحیم خواهران و برادران گرامی - سلام و درود مرا بپذیرید \* خود را سرافراز میدانم که در خدمت شما هستم \* عزیمت ما به تهران به دعوت وزیر کشور ، جناب صدراعظم سید جواد ی انجام گرفت و هدف از این دعوت ملاقات با حضرت آیت الله خینی و سایر مراجع تقلید ، از جمله حضرت شریعتی و آیت الله طالقانی بود \* ملاقات ما با حضرت آیت الله خینی رهبر انقلاب ، ثمر بخش و باعث تقاضا بیشتر و نزدیک بهتر گردید \* خودتان هم میدانید که هنوز انقلاب ایران در نهمه راه است و هنوز بیست و نه

شمر نرسیده است \* که هدف از انقلاب دگرگون شکل حکومت نیست ، دست است که ما قدمهای استواری برداشته ایم و رژیم استبداد و دیکتاتوری را واژگون نموده ایم ولی هنوز مبارزه ادامه دارد \* مبارزه خلقهای ایران برای بدست آوردن آزادی و دگرگونی بنیادی اقتصادی و سیاسی است \* مبارزات خلق کرد جزئی از مبارزات خلق های ایران می باشد و ملت کرد جزئی از ایران و همیشه با ایران بوده و خواهد بود \* ولی باید همیشه دست به دست هم بدهیم و وحدت خود را حفظ کنیم تا بتوانیم انقلاب را به ثمر برسانیم \* ملت کرد ، سالهای زیادی است که در راه بدست آوردن حقوق حقه خود مبارزه نموده و مبارزاتش در درون مبارزات ایران اوج گرفت ، ما هنوز ارتجاع و امپریالیسم جهانی دارند برای اینکه انقلاب ایران را از راه خود منحرف نمایند و دوباره ارتجاع به صورت دیگری برودم ایران تحصیل شود نمائیت میکنند \* تجربه نشان داد است که آزاد ملت همیشه پیروزی در بر دارد بشرطی که ملت باهم متحد و همگام باشد .

نظام دیکتاتوری پالین همه مہمات و اسلحه و قسرا و در برابر اراده مردم نتوانست خود را بکشد و هاقبت به زانو افتاد و در دم فرو ریخت \* ما باید با آن اراده فعال خود و با آن وحدت و با آن همبستگی که در اول داشتیم ، و دوباره پیوند خود را تجدید کنیم و مبارزه را ادامه بدیم تا ملت ایران در آزادی و سعادت و رفاه بسر برد ، ما از آزادی و دموکراسی دفاع میکنیم ، ما به مستخوان جمود ایم و شمار روزان آنها هیچ اهمیت نمی دهیم \* ما وقتی که با سانسور مطبوعات و رادیو - تلویزیون می نگریم به یاد رژیم سابق خواهیم اتان که ما سانسور سانسور مطبوعات و ارتباطات عمومی زشت میباشد و گمراه کننده است \* از هر کسی سرچشمه بگیرد و هر کسی آن را اجرا بکند ! لذا ما سانسور مطبوعات و رادیو تلویزیون را محکوم می کنیم و از آزادی مطبوعات و قلم و بیان دفاع میکنیم \* ما تفرقه - اندازی هائی که بنام شیعه و سنی ، یاکرد و ترک ، یا بلوچ و عرب یا فارس و آن رایجانی دارند راه من اندازند محکوم میکنیم \* ما همه ایرانی هستیم و سالهای سال است کدر کسار یکدیگر زندگی میکنیم ، ما خواستار حقوق تمام خلقهای ایران هستیم ، ما از آن پشتیبانی می نمائیم . باید قانون اساسی بنحوی تدوین شود که تمام خلقهای ایران بتوانند در آن سهیم باشند و حقوق همه خلقها را دربر داشته باشد \* خلق کرد ، خواستار سرح شروع خود ، خود بختاری برای کردستان و دمکراسی برای ایران می باشد . ما حقوق سایر خلقهای ایران را محترم میشماریم \* حقوق خلقهای آن رایجان ، عرب ، بلوچ و سایر خلقهای ایران را و از آنها پشتیبانی می نمائیم و باهم دست به دست هم میدهم تا به حقوق حقه خود برسیم \* خواهران و برادران گرامی ، ما باید به آن حد سعه صدر داشته باشیم که عقاید دیگران را تحمل کنیم و ما باید به آزادی و دموکراسی احترام بگذاریم \* ما نباید بنامهای کوچک و در مقابل یکدیگر قرار بگیریم و به یکدیگر توهین و افترا بسز نهم \* هر گروه و یا هر حزین ، و یا هر کسی کدر راه سعادت ملت ایران گام بر میدارد ، با هر ایدئولوژی که دارد نظر ما محترم و گرامی است \* نباید بیگانگان ما را در مقابل یکدیگر قرار بدهند و وحدت سستند ، همبند و عقید را دوباره در جای دیگر بیاورند به -

از اسرار تاریخی صدری سازمان! تقدیر بر پیش روی مبارزه با دژ دیکتاتور فاش و جدت بخش کوششی! از اسرار تاریخی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

هموطنان مبارز! کمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران شعبه ایراد جنوبی ۱۳۹۹ واریز نمایند.

اجرای طرح نواستواری در عمان مشکلات و امکانات نوین برای انقلاب فراهم آورد.

- امپریالیسم آمریکا راهبسی جدیدی برای عازرت عمان فراهم آورد.
- توانسته مردم را درگیرش های نادرست چه ماجراجویانه و چه تسلیم طلبانه بریندم.

و بنجیده بویژه که این اقدام باید همه جانبه بوده صح جنبه‌ای را از قلم نیا نداشت و تا توجه ساینکه درجه اهمیت زمینه‌های عمل فرق نمیکند آنطور نباشد که منتقلی را شامل شود و دیگری را نه و با روستا را در سر گیسرد و شهر را فراموش کند.

دشمن در کمین ماست و به اقدامات احتیاطی شدید و گسترده‌ای دست میزند ، عناصر مهین برست و حتی هم - وطنان بیگناه را طی دستگیریهایی بیبایی بزندان می -

### مصاحبه با یکی از رهبران انقلاب عمان رفیق عبدالعزیز القاضی

اندارد و این البته امری است طبیعی که با توجه به ماهیت امپریالیستی ، ارتجاعی و پلیسی دشمن تنجیبی ندارد عموماً با توجه به اینکه رژیم حاکم و اربابان او خود نیز حرف‌خوشی را که مدام در دستگای خبیری خود تکرار میکنند و میگویند که خطرات انقلاب بسیار رسیده و رژیم از ثبات برخوردار است باور ندارند . آخر آنها سرفتنظر از باوه‌ای تسلیم‌ناشان بخوبی درک و بطور روز مراه لمس میکنند که انقلاب همچنان موجود و با سر - جاست و خطراتی که آنها را تهدید میکند کماتان وجود دارند.

در زمینهٔ موانع و مشکلاتی که بر سر راه ما وجود دارد همچنین باید از کمبود کادر و تاثیرات ناشی از طرز تفکر قبیله‌ای و ایدئولوژی قبیله‌ای و بقایای بسوادگی کامل با جزئی حتی در صفوف بسبب - ساری از اعفاء سخن گفت . اشکالات و موانع مشابه دیگری نیز - مستمر و پرحسب امکاناتمان میگوئیم که براین موانع و مشکلات فاشتریم . کلیه موانع و مشکلات را میتوان دریمجا در عمل از بین برد ، البته با عملی درست و کفای که در سمت ناپهوی آن موانع انجام شود .



### اشکال جدید فارت

س: طی سالهای اخیر سلطان نشین عمان شاهد تحولات سیاسی و اقتصادی بخصوص در محافل وابسته به رژیم و موسسات آن بوده است . آیا ممکن است طرح کلی این تحولات را برای ما ترسیم کنید ؟

ج: از زمان اجرای نمایش کودتای انگلیسی ها و روکار آمدن فابوشنای ، بقدری حکومت متشکل از مستشاران انگلیسی و نظامیان ، در نظر است . از ادبهای از اقدامات مدرنیزه کردن و اطلاعات اداری و اقتصادی و سیاسی را پیاده کند ، این امر بطور کلی از جهت عملکرد امپریالیسم در همه جای جهان برچشمه میگردد .

امپریالیسم زمانیکه احساس کند که نسبت به نفوذ و منافع آن در کشورهای وابسته خطر رو به فزونی میرود به شیوهٔ کودتاهای ظاهری و خفیه‌ی چهره‌ها و برخی - اشکالات و عقب نشینی ها شیکه منافع آنرا در اسباب و معرض خطر قرار نمی دهد پناه میبرد . این شیوهٔ عمل این فرمول جدید استعمار و فارت دارا نشینای خلق هسا ، درامل شیوه‌ایست که امپریالیسم آمریکا بسوچ و بنحو ی کسترده پس از جنگ جهانی دوم و پس از آنکه نتایج جنگ توازن جدیدی تری از لحاظ سیاسی ، اقتصاد دیونطامی امربا لیستی جهانی آمریکا و انگلیسی و غیره بنحوی برابر همسنگی متخین و تاثیر روز افزون اردوگاه سوسالیستی در اوضاع جهان و در برابر کسرتن موج آزادخواهان ه خلفها و قبا مهای اوج گیرنده آنان ، میکوشند تفادها و کتمکتهای بین خود را تخفیف دهند و در بسیاری از موارد اقداماتشان را هماهنگ سازند و از تجارب و ابتکارات یکدیگر سود جویند .

اخراج نیروها و ناپه‌های بیگانه و تجاوزگر در کلیه اشکال آن و تحقق استقلال حقیقی و اعطاء آزادیهای ( فردی و اجتماعی ) و بی ریزی یک سیاست خارجی مستقل ، بسط و توسعه .

طی مرحله گذشته در زمینه آموزش نظامی حکومتها - نمان و بالابردن سطح قدرت نظامی آنان نیز به پیشرفتاتی نائل آمده ایم : آنچه گفته شد اشاره‌ای است به مهمترین دستاوردها و خطوط کلی و عام مسائل ، سببیبی است وقتنی از موفقیت و پیشرفت در زمینه‌های ذکر شده محبت میکنم مرفا اجری مقابله‌ای بین آنچه قبلاً یعنی حدود در سال بیست و دو و آنچه الان هستی ما باشد .

اوضاع و احوال در کلیه زمینه‌های ذکر شده و در زمینه - های دیگر همچنان نیازمند تقویت و تکامل است . هنوز شقاظ ضعف آشکاری داریم که نیازمند علاج و بهبودند کما اینکه بخش مهمی از برنامه مرحله‌ای هنوز بیپایان نرسیده است . طبیعی است وقتنی میگویم شروط و وظایفی برحسب همان برنامه موجود دارد که هنوز انجام نشده ، بدین معنی نیست که کار را باید در این مرحله تا تکمیل شروط و وظایف مزبور متوقف کرد . مبارزهٔ ما علیه دشمنان هرگز متوقف نشده چه در اشکال مختلف سیاسی و سوده‌ای و چه در اشکال مسلحانه و غنوت امتیز . ما کلیه این اشکال مبارزاتی مختلف را بر طبق روح و محتوای برنامه مرحله‌ای ادامه داده و میدهم . برحسب این برنامه اولویت از آن باز سازی اوضاع داخلی و تقویت و تمجیح آن است ، همراه با ادامه مبارزات مختلف در خارج امکانات معینی و ذهنی موجود و در محدوده‌ای که ما نسج بسپرتوی ما در تکمیل و پیاده کردن وظایف مرحله‌ای مربوط به باز سازی مجدد خود نباشد .

### بازسازی خود ، عملی دشوار

اما در مورد مشکلاتی که در راه بازسازی مجدد خود با آن روبرو بوده‌ایم باید گفت که ما اوضاع نامواضع و دشواریهایی مواجه بوده‌ایم و البته در این راه و نیز دیگر راه‌های مبارزه ، این امری طبیعی است . اقدام به بازسازی مجدد خود منجم و تکمیل اوضاع چه در کلیه زمینه‌ها و سطوح ، اقدامی است ششام ق

در شماره پیش طی مقاله‌ای به تاریخ مبارزاتی خلق عمان اشاره کردیم و وعده دادیم که ترجمه مصاحبه‌ای را که مجله الهدف ، ارگان جنبه خلق برای آزادی فلسطین با رئیس کمیتهٔ اجرائی مرکزی جنبهٔ خلق برای آزادی عمان رفیق عبدالعزیز القاضی ترتیب داده و در شماره ۳ مارس ۱۳۷۹ (۱۳) اخذ گذشته ( آن مجله چاپ شده است برای اطلاع خواننده گان عزیز بسنطور تکمیل روابط مبارزاتی بین خلقهای ایران و عمان بسپاریم ، اینک ترجمه آن مصاحبه :

س: از زمانی که شما شعار : " در راه باز سازی مجدد خود از لحاظ فکری ، سیاسی و نظامی و ادامه جنگ انقلابی مبارزه کنیم " را مطرح کردید مدتی میگذرد این شعار پس از عقب نشینی نیروهای شما از مناطق آزاد شده طرح گردید . سؤال این است که مبارزه شما در راه باز سازی مجدد یکجا رسیده ، دست آورده‌ای شما در اینراه چه بوده و با چه مشکلاتی مواجه بوده اید ؟

ج: ما بلم قبل از هر چیز یک نکته را توضیح دهم و آن اینکه پس از شکست نظامی موقت نیروهای ما در میدان نبرد و عقب نشینی بزرگ ما از منطقه غربی استان جنوبی عمان ما با مرحله‌ای روبرو شدیم که تقریباً یکسال طول کشید از ژانویه ۷۶ تا ژانویه ۱۹۷۷ . مشخص این مرحله عبارت بود از نمودهای مشخصه رکود در اوضاع انقلاب در لشکار و بروز هرج و مرج و اختلافات و از هم گسختگی صفوف درونی انقلاب و جریبتهای فراوانی که در داخل جنبه و چه خارج از آن . بنظر ما این امر از یکسو نتیجه مستقیم شکست موقت و عقب نشینی بزرگ ما و عواقب و عکس العملها و تاثیرات عمیقی بود که در نتیجه آن دو در روحیه مردم دیرین در رهبری آنزمان و مجموعه اشتباهات و نقطه - ضعفهایش بود که در یافت داخلی جنبه وجود داشت . براین اساس اجرای برنامه مرحله‌ای طرح شده از طرف رهبری که نتیجه سومین نشست آن بود و در شهری کشت ذکر گردیده ، تجلی مییافت دقیقاً از فوریه سال ۷۷ یعنی درست یکسال و یازده ماه پیش آغاز گردید . طی این مدت ما کام بزرگ و مهمی در راه اجرای مواد طرح شده در برنامه مزبور برداشته‌ایم ، برنامه‌ای که وظایف مطروحه در آن را با ابعاد و شام می توان در شعار : " در راه باز سازی فکری و سیاسی و نظامی خود و ادامه جنگ انقلابی مبارزه کنیم " مشاهده نمود .

در برتو رهنمود این برنامه یعنی برنامه مرحله‌ای داخلی که از سوی رهبری مرکزی تصویب شده بود و در نتیجه پیاده کردن طبق برنامه مزبور ، از همان ماههای اول اجرای برنامه ، توانستیم عواقب و عکس العملهای منفی را که نتیجه مستقیم شکست موقت نظامی و عقب نشینی بزرگ ما بود حتی الاکان محدود کرده ، از گسترش آن جلوگیری کنیم و توانستیم راه را بر برگزایش های نادرست ، چسه ماجراجویانه و چه تسلیم طلبانه بر بندهیم ، بطوریکه اندیشه‌های درست و خط غلط انقلابی صحیحی را که برنامه مزبور ارائه میداد کلیه شما لیتها ما را در برگرفت . آن برنامه ما گرایهای نادرستی را که پس از شکست موقت و عقب نشینی چه بصورت خود بخودی و چه آگاهانه با اشکال مختلف ما چرام جویی و سیاسی و نظامی خود و ادامه جنگ انقلابی کامل و نهائی ناپود سیمارد .

طی مدت زمانی که از اجرای این برنامه و عمل برحسب شمار مذکور گذشته است ما پیشرفت مهمی قابل ملاحظه‌ای در بالابردن سطح ایدئولوژیک اعفاء چه در مدار رهبری و چه در مدار کادرها و توده‌های سازمانی با نسجام رسانده‌ایم ، همچنین در زمینه تکمیل وحدت تشکیلاتی جنبه قدیمای بزرگی برداشته‌ایم . مسئله اخیر تا حد زیادی مربوط به وحدتی است که از لحاظ ایدئولوژیک و خط مشی سیاسی در جنبه وجود داشته و همراه با قواعد و شیوه‌های صحیح سازماندهی متکی بر قوانین ما سترالیسم دیمکراتیک پیاده شده است . در زمینه گسترش هسته‌های محلی و علفی سازمانی نیز پیشرفت‌های قابل توجهی داشته‌ایم چندین سازمان توده‌ای بسنطور جلب و جذب توده‌ها و اهتمام میداد نه به خواسته‌های روزمره آنان و جهت دادن به این خواستها و دفاع از آنها بوجود آورده‌ایم همچنین به پیشرفت‌هایی در زمینه گسترش با یگاه اجتماعی انقلاب نائل آمده‌ایم . این اقدام ما از این خاستگاه سرچشمه میگردد که ما معتقدیم انقلاب عمان در مرحله کنونی باید بر اساس گسترده ترین اتحاد ممکن بین طبقات خلقی و بر اساس برنامه حداقلی استوار باشد که وظایف اساسی مشترک را بنحو زیر بین میباید :

دارند و آنرا در مسیری درست و جهت تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب دمکراتیک و فدا میریالیستی قرار دهند .  
برای ارزیابی و هرچه روشن تر شدن دیدگاه خود بهتر است قدری بیشتر مکتب نماشیم . ما فیکلاکوشن کردیم از نظر تاریخی و شورویک تا توانی بورژوازی را در تحقق بخشیدن به خواستهای عادلانه طبقه در عمر امپریالیسم توضیح دهیم . در اینجا آنرا از جنبه دیگری توضیح می دهیم .

### سیاست سیستم حاکم در مقابل ستمداری

پس از سرنگونی رژیم سلطنتی ، بورژوازی لیبرال به یمن بنیادارهای لیبرال و رهبران غریبه بورژوازی و عسل متضد دیگر بر سنده قدرت خرید و رهبران غریبه بورژوازی علیرغم قدرت و پشتیبانی توده های وسیع مردم ، در کنار بورژوازی ( بورژوازی لیبرال و لایه های آن ) بورژوازی کمپرادور ( قرار گرفته و تمام کوشش و نفوذ خود را در جهت تقویت و تأیید بورژوازی بکار بردند . در این دوره سیاست تغییر پذیر و همپستی سیستم حکومتی در مقابل جنبش های ملی سکوت مذبذبان و ظننه روی از پاسخ متضد بوده است . مسئولین امور وقتی جنبش های ملی اوج گرفت و خلقها برای کسب حقوق ملی خود پای فشرده شدند ، طوری که امکان سکوت و انکار مطلق را از آنان سلب نمود ، نه تنها بر حقانیت این جنبش ها محم نگاهداشتند ؛ نه تنها برای تأمین خواستهای بحق خلقها قدمی جلو برداشتند ، بلکه با تشبیر فراوان که چطور کمانسی پیدا شده اند و حرفهای مناظر و راهی متفاوت از آنچه آنها میروند بر زبان میآورند ، به انکار موجود است ملی" خلقها برداشتند . از نظر آنها همه اهل سنتت واحد ... و ملت واحد هستند . آنها از مفهوم مسئله ملی که بر زمینه های اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی ، و بر اثر عوامل تاریخی مشخص شکل گرفته است ، فقط و فقط " اهل سنت " را درک کردند . و عنوان " ما با برادران اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم " آب پاکی بروی جنبشهای ملی ریخته ، و خیال خود را آسوده ساختند .

البته کار در همین جا فیصله نیافت و همراه با اوج گیری جنبشهای ملی ، آنها راه چاره دیگری ندیدند جز اینکه عدم توانایی خود را از آن درک و اهل مسئله ملی با خطئه این جنبشها لاپرواخی کرده ، آنها را کسار عوامل فدا انقلاب (w) قلمداد کنند . آنها با لافها بسیار فراتر گذاشته و کار را به سرکوب و کشتار خلقهای برای " آرام نمودن " اوضاع کشیدند و باز با این بهانه" آنها که میهن در خطر است . " فعل ویرانگری انقلاب بسیار رسیده و هر کس در هر نقطه از کشور اقدام به آشوب و تحریک نماید ، فدا انقلابی بوده و ... ندیدند به کثیر خواهد رسید " . ( اعلامیه " ستاد ارتش به مناسبت حوادث سنج ) . البته اوج گیری بی سابقه جنبشهای ملی در کردستان و سنندج و نیاز مردم سیستم حکومتی به تشبیه هرچه سریعتر موقعیت خویش ، وی را ناچار ساخت که به قبول ظاهری خود مختاری تن در دهد . ظاهری از اینجنگ که در حرف خود مختاری را بهیروز و در عمل با سپردن قدرت به عوامل خود فوئودالها ، مهار سیستم خود - مختاری را بدست خود گیرد . این تلاشی بود در جهت فریب توده ها و خالی کردن جنبش های ملی از محتوای واقعی و انقلابی خود .

این خود مختاری حدمرزی نمی شناخت و متعلق به سراسر ایران بود و در حقیقت کوشش بود در این جهت که نشان دهد چگونه سیستم فعلی حکومتی از درک و حل مسئله ملی عاجز و ناتوان است ( ما در شماره قبل به تفصیل در این باره حرف زده ایم )

غلام کشم : دولت تا بحال بر نامه مدون و قابل انکاشی در مورد مسئله ملی ( همچنانکه در مورد سایر مسائل ) ارائه نداده و بنا به ماهیت طبقاتی آن نمی تواند هم آراش بدهد . او به دولتت اساسی و مشخص زبیر قادر نیست به ستم ملی پایان دهد . اول اینکه بهیچوجه توانائی مبارزه بی گمرو قاطع برای نابودی کامل و بی چون و چرای سلطه امپریالیسم را ندارد . دوم اینکه اندیشه با زار اورا در واقع موضع تونیستی قرار داده ، از دیدن واقعیت وجودی ملیتها و حقانیت خواستهایشان عاجز میازد .

ادامه دارد

(w) - البته ما همچنانکه قبلا نیز گفته ایم حوادث سنندج را که مشخصا توسط عناصر ارتجاعی آفریده شد ، فدا انقلابی می دانیم ، منتضی رهبران کنونی ، عادت کرده اند هرگونه حرکت انقلابی خلقها را در جهت اطلاق حقوق ملی " فدا انقلابی جلوه دهند .

### ادامه از صفحه اول درباره مسئله ملی

در شرایط مشخص کشور ما که بیش از ۵۰ درصد جمعیت آنرا ملیتها ی تحت ستم تشکیل میدهند ، هیچ تشبیر بسنیادی و هیچ تحول انقلابی بدون حل مسئله ملی و تأمین حقوق خلقها میسر نیست . بدون جلب اعتماد و پشتیبانی فدا لانه ها و میدریغ ملیتها مبارزه سترگ خلقهای ایران برای نابودی کامل امپریالیسم و بنای ایران آزاد و دیوکرا - تیک نمی تواند به پیروزی نهائی برسد .

### آینده جنبش ملی

حال بسبب این با توجه به شرایط کنونی سرنگونیت جنبش های ملی به کجا خواهد کشید ؟ آیا خلقهای ایران خواهند توانست به حقوق ملی خود دست یابند ؟ آمو لا تحت چه شرایطی اطلاق حقوق ملی ممکن است ؟

جواب ما روشن است . سیستم فعلی حکومتی قادر به حل مسئله ملی نیست زیرا که قادر به درک موضوع نیست . باشد . او نمی تواند به ستمگری و اجنافات ملی پایان دهد و برابری تام و تمام حقوق ملیتها را تأمین نماید . خلقها در چنین شرایطی نمی توانند به حقوق ملی خود دست یابند و به تصدبات ، توهین و تحقیرهایی که نسبت به غرور و احساسات ملی شان وارد می آید ، خاموشی دهند . آنها همچنین نمی توانند در چنین شرایطی هویت ملی خود را باز یابند ، خود را بصورت ملت کاملی قوام دهند و سرزمین خویش را از قید و بند عقب ماندگی فاحشرها نجات دهند ، آنرا به صورت یک واحد اقتصادی زنده ، یکنواخت و پویا درآورند . جنبشهای ملی در چنین شرایطی آینده ای جز شکست نخواهند داشت مگر اینکه تمامی تلال خود را در خدمت شکمپودت و همبستگی خلقهای سراسر ایران و پیوند آرگانیک جنبشهای ملی با انقلاب دموکرا - تیک و غد امپریالیستی سراسری و حرکت در جهت نابودی کامل حاکمیت و نفوذ امپریالیسم در سراسر میهنان بکار ببرند .

جنبش های ملی خلقهای ایران تنها وقتی خواهند توانست از عهده انجام وظایف تاریخی خود برآیند که به سلطه و نفوذ امپریالیسم در تمامی پهنه های اجتماعی میهنان خاشه داده شود .

سیستم فعلی حکومتی همچنان با به سکوت مذبذبان و ظننه روی از دادن پاسخ لازم خود در باره حقانیت جنبش های ملی و تأمین خواستهای آن ادامه میدهد و بنا به به تسلط طبقاتی اش ( از سطور بعد ، توضیح خواهیم داد ) بناچار در آینده نیز ادامه خواهد داد . و حداقل به یک سری از خواستهای فوئدی خلقها پاسخ خواهد داد . او در صورت رشد و دامنگیری این جنبشها چاره ای ندارد جز اینکه تحت لوای نجات میهن و نجات انقلاب به سرکوبی بیرحمانه متوسل شده ، " خلقها را به خاک و خون کشد .

اگر توان و وسعت جنبش های ملی چنان باشد که از حمایت میدریغ و وسع توده ها برخوردار باشد بطوری که با سرکوب و خطئه کاری نتواند از پیش ببرد . بناچار برای آرام کردن اوضاع و تحکیم موقعیت خود بر سر میز سازش و ممالک با فوئودالها و بورژوازی و خیانت به خلقها خواهد نشست ، کاری که در حال حاضر نیز تا حدودی انجام میدهد . تصور شده است به حقوق ملی در چارچوب چنین حکومتی بجز غام خیالی ، ساده لوحی ، خوش باوری و فریب بوده چیز دیگری نمی تواند باشد . اگر جنبشهای ملی در جهت نابودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم حرکت کنند و ذهن توده ها را نسبتا به اهداف عادلانه خود روشن نمایند ، روز بروز تا سبوسانولیم ارتجاعی ، بورژوازی زمینه رشد بیشتری یافته و ذهن توده ها را در چهارچوب تنگ و فاسد کشنده خود به بند خواهد کشید .

در این حالت بورژوازی ، فوئودالها و عناصر ارتجاعی فرصت مناسبی بدست خواهند آورد تا عنوان جنبش های ملی را البته با پشتیبانی و حمایت دولت مرکزی بدست خود گیرند . از خلقها بعنوان گوشه دم توب استفاده کرده و برای تقیم نشانم و حفظ موقعیت ممتاز و استعمار گرانه قبلی خود با بورژوازی حاکم به سازش آشکار و بی پرده تن در دهند . در چنین صورتی این طفره هست که امپریالیستها و عناصر ارتجاعی برای اختیاری نتوانند در درون جنبش های ملی نفوذ کرده و با همیاری فوئودالها ، بورژوازی و عناصر ارتجاعی از احساسات و شور ملی خلقها در جهت تضعیف هرچه بیشتر انقلاب فدا میریالیستی و امیال و اهداف تجزیه طلبانه و ارتجاعی البته در قالبی مردم پسند - خود مختاری از نوع فوئودالی - سو استفاده کنند .

در چنین شرایطی نیروهای دمکرات و بغموص م. ل. ها ، میبایستی تا مرز بندودیق ، افشا و طرد مداوم و خشکی نسا - پذیر فوئودالها و عناصر ارتجاعی و تکیه بر توده های زحمتکش و بغموص دهقانان ، آموزش و سازماندهی آنها ، جنبش های ملی را از آلودگی ها و انحرافات ذکر شده ، میرا

مختلف را نوسازی کردند و سلطان نشین عمان را بعنوان دولتی مستقل به جهانیان معرفی کرده ابتدا آنرا به جامعه دول عربی وارد نموده در سازمان ملل نیز به رسمیت شناختند ، و بالاخره دروازه های عمان را چهارطاقی در برابر انحصارات شرکتیهای خارجی از هر نامیت که باشند از آمریکا شو انگلیسی گرفته تا فرانسوی ، ژاپنی ، کره جنوبی ، آلمان غربی و کانادائی و ایرانی آنها با شرایط و قراردادهای ظالمانه ای که در کمتر جاسی از دنیا میتوان سراغ داد باز گذاردند .

برخی اطلاعاتی در زمینه بهداشت و آموزش و حیل و نقل نیز به عمان وارد کردند .

اطلاعاتی از این دست در برخی از کشورهای همسایه عمان بنحو گسترده تر و بزرگتری به مرحله اجرا درآمده است . این اطلاعات هر چند در عرصه ملی و محدود اند اما در نظر یک فرد عوامی در مقایسه با آنچه او قبیل از سال ۱۹۲۰ با آن سروکار داشته است چه بسا بسیار عمیق جلوه کند ، با حداقل میتوان گفت که طی ۶ - ۵ سال اول حاکمیت این رژیم ، فرد عوامی ممکن بود چنین تصویری داشته باشد .

بموازات این اطلاعات در عمان تعداد دروازه های نیروهای بیگانه بعمان سرازیر شدند و با بگاهاشی بیشتر برای بیگانگان بوجود آمد همچنین سرکوب و غفلان و محرومیت مردم از ابتدائی ترین آزادیهای فردی و دمکراتیک به موازات آن شدت یافت . مظهر فساد سیاسی ، اداری و اخلاقی و رشوه خواری و زدی روز بروز بیشتر شد .

ثابت برای همگان روشن باشد که از مجموع اصلاحات رژیم از ۱۹۲۰ تا کنون بیش از هر کس خود رژیم و اربابان امپریالیسم آن و شرکتیهای انحصاری خارجی و بخشهای از بازرگانان بزرگ محلی ( کمپرادور ) سود میبرند . اغلب این اطلاعات بصورتی انجام شده است که مستقیما بسا در خدمت هدفهای نظامی و " امنیتی " سرکوبگرانه قرار گیرد یا در خدمت اهدافی که بنفع بهره بردارها و غارت کشور بوسیله بیگانگان باشد یا بنفع آژانسهای تجاری بیگانه و محلی . از همه اینها نصیب مردم جز چیزی بسیار اندک نیست که عبارت است از برخی اطلاعات محدود در زمینه خدمات بهداشتی ، فرهنگی و بکار گماردن بخش بسیار محدودی از عوامی های بیکار .

این نکته را نیز باید مورد توجه قرار دهیم که مجموعه اطلاعاتی که رژیم فعلی کرده یک سلسله واقعات و آثار و ارقام جدیدی را در اوضاع طبقاتی و اجتماعی خلق ما پدید آورده و میآورد ، همانگونه که ناراضها و مشکلات جدیدی را نیز در جنبش کارگران ، دهقانان و اقشار دیگر اجتماعی نظیر بازرگانان ، محصلین ، ماهی - گیران و چوپانان بسیار آورده و میآورد . چنین پدیده ای هنوز ادامه دارد و روز به روز عمق بیشتری پیدا میکند . اینها واقعات اجتماعی جدیدی هستند که قبل از سال ۱۹۲۰ وجود خارجی نداشتند ، منافع جدیدی رشد میکنند و منافع دیگری موزد تهدید قرار میگیرند ، امکانات و نیروهای جدیدی در طبقاتی که پیش از این وجود نداشت ناراضها و مشکلات و خواستهای جدیدی برای اقصاار مختلف طبق مطرح است که پیش از این بخشی در دوره رژیم سابق با اطلاق وجود نداشت یا به معنی گامی امروزه فرگزینود ، دشمن ملی و طبقاتی خلق ما ، امروز بیش از هر زمان دیگر بصورت روز مره و ملموس خود را عینما یاند .

بطور کلی ما معتقد ایم که انقلاب و پیمانها سنگ آن جنبه طلب برای آزادی عمان " از این وضع استفاده میکنند و باید بکنند و اطلاعاتی که بوجود آمده و پیمانها ها شی که با خود آورده همگی بنفع انقلاب ، بنفع تکامل و در جهت پیروزی آنست . رژیم مستشاران انگلیسی و دست نشاندگان آنها قابوس به برخی اصلاحات و عقب نشینیها دست میزند ، اینکار را با دست چپ انجام میدهد تا با دست قوی تر راست بر سرکوب و استبداد و غارت و استعمار و بر مشکلات ما در سطح ملی هر چه بیشتر - بیافزاید انگلستان کوشش تا فرمول استعمار نو را در عمان پیاده کند اما آنرا بنحوی گلا سمخ گذاشته پیاده نسود و شکل دوگانهای از استعمار قدیم و جدید را که از لحاظ منطقی است بر منافع نادان بوسمید ( قابوس و ... ) و یک فشر رند باشد کمپرادور - زمیندار که منافع آن با اشکال محدودی از فوئودالیسم در هم آمیخته است ، بوجود آورد .

انگلستان در حالی که میکوشد ، فرمول استعمار نو را در عمان پیاده کند تمام موجودیت مستقیم نظامی و سیاسی سابق خود را حفظ میکند و بر تعداد مستشاران و فرماندها ن خود در زمینه های مختلف و موسسات نظامی و غیر نظامی میافزاید . علاوه بر اینها مستقیما در حکومت نیز مشارکت دارد .

# امبارزات و اعتصابات کارگری

اند و این ناپسند ترین کاری بود که مافوق مدتها کار کردن در اینجا شاهد بودیم از شما تقاضا داریم با اعزام نامـ پندگان خود قبل از عکس العمل کارگران وضع زندگی ما را از نزدیک دیده و به این کار پاسداران رسیدگی کنید . تعداد زیادی از قتلها را در غیاب صاحبانش شکستند .

با احترام بدنهال جریان فوق کارگران قسمتهای مهندسی معدن کارخانه مجتمع بعنوان اعتراض دست از کار کشیده و بسبب طرف کمیته سر چشمه حرکت کرده اند تا به عمل غیر انسانی شب گذشته اعتراض نمایند ، در نخل باز هم پاسداران آنها را به کمیته بردند و تحت بازجویی قرار دادند . همچنین در شب ۵/۲/۵۸ به یک سری از خانههای کارآموزان حمله کرده و آنها را شتم به درز بودن و کمونست بودن نمودند . که در نتیجه امروز آنها هم بمنـصوبان اعتراض همراه با کارگران به کمیته رفتند . در ضمن کمیته این بخش تحت کمیته رفسنجان انجام وظیفه می کند و سرپرستی کمیته رفسنجان هم بدست آیت الله هاشمی رفسنجانی توفی است که معززه دکتر هاشم رفسنجانی از نفوذ الهای رفسنجان می باشد .

## فدائیان انقلابی شرکت نفت

### بقام محترم رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت نفت ایران:

احتراما ما کارگران بهمانی شرکت ملی نفت در آبادان مدت سدهای می باشد که مسائل و مشکلات خود را کما یقینا تساد و اجحاف رژیم گذشته می باشد با ادا ره مربوطه مان در میان گذاشته ایم و از آنان تقاضای رسیدگی نموده ایم ولی نه تنها به مشکلات ما توجه شده است بلکه اجحافات و تاراجهای دیگری بران افزوده شده است . در اس این مشکلات موضوع رسمی شدن ما قرار دارد . متأسفانه الان که مدت سه ماه است که قول رسمی شدن کنه به ما داده می گذرد ، هنوز کوچکترین خبری در این مورد داده نشده است . مسئله دوم که وجود دارد موضوع حقوق ماست قبل از انقلاب حقوق ما را که بسیار کم بود بهمانکاران می پرداختند و وقتی ما به شرکت مراجعه میکردیم و از کسی حقوق شکو می نمودیم به ما می گفتند که ما خیلی بهتر از مبلغی که پیمانکاران به شما می پردازد ، ما به شما می پردازیم و از پیمانکاران بخواهید که حقوق شما را اضافه کنند .

خوشبختانه ، انقلاب ما نه تنها زمین دست پیمانکاران از سر ما کوتاه شد و خوشحال که دیگر همان حقوقی را که شرکت به پیمانکاران می داد به خود ما خواهد پرداخت ولی متأسفانه مشاهده کردیم که همان حقوق قبلی را به ما می دهند . الان معلوم نیست مابه التفاوت مبلغی که به پیمانکاری می دادند و مبلغی که پیمانکاران به ما می داد ، به کجا می رود . به اداره مراجعه می کنیم ، می گویند : صبر کنید ، حقوقتان زیاد میشود ، از ما می خواهید صبر کنید و ما هم صبر می کنیم ولی از عمل خبری نیست نمی دانیم تعاقبت این سهل انگاریها و به تاخیر انداختن معده ترین مسائل ملتو مملکت یعنی مسائل کارگری ، به کجا خواهد رسید چه هدفهایی دنبال میشود که ما بس اطلاعیم . مسئله دیگری که تراغ پیچیده است ، مسئله نماینده کارگران است . بهرمانی نامی خود را به عنوان نماینده کارگران معرفی کرده است و در جلسات کارگری شرکت میکند و از طرف مسئولین هم بلا فاصله مورد قبول قرار می گیرد و جالب اینجاست که این آقای بهرمانی خود انتخاب شده و مطالبی را گفته است که نه تنها خواست ما نبوده بلکه در جهت خلاف منافع مصالح ما می باشد . مثلاً "ایستادن گفته اند که کارگران بهمانی از کارگران رسمی جدا بوده و ما کاری با کارگران رسمی نداریم کاین گفته در جهت جدا کردن ما کارگران شرکت نفت می باشد که بسیار عمل ناپسند است و ما تسلیم به این نماینده به شدت متعزز و معطل خود سزانه این شخص را و از آن بدتر یه یوش او را بعنوان نماینده کارگران از طرف مسئولین بدون نتیجه به نظر و خواست اکثریت کارگران تقیح می کنیم و این کارها را در دوران انقلاب غیر منتظر می دانیم چرا که چنین کارها سر کارهایی را دهاره مشاهده می کنیم .

در پایان از آن مقام استدا داریم که هر چه زودتر نسبت به مشکلات ذکر شده رسیدگی و اقدام عاجل مبذول دارد . زیرا انقلاب ما بنابه گفته امام خمینی ، امام حاضر مستضعفین می باشد و کارگران از همه مستضعفین مستضعفترند .

برای گرفتن حق بیکاری متحدان مبارزه کنیم

در این شماره اخباری داریم از کارگران بیکار که قسمت عمده آنها تحصن و درخواستهای کارگزار با ختمانی تشکیل داده است . وجه مشترک این تحصن ها ، بهرکنهگی ، ضعف تشکل و عدم بیکبری کافی میباشد که این از خصصیات کارگران ساختمان و نالی از مشتا ، طبقاتی آنهاست . اما ، نداری و فشار زندگی از یکطرف و ناموفق بودن سبانه فردی از طرف دیگر آنها را بطور مداوم به هم نزدیک مسازد و در یک صف قرار میدهد .

۳- حقوق کارگران باید براساس هزینه زندگی تعیین شود و با بالا رفتن قیمتها بهمان نسبت اضافه شود .  
۴- از حقوق و مزایای کارگران نباید مالیات کسر شود .  
۵- خدمات درمانی و بهداشتی ( پزشک ، دارو ، بهداشتی و بیمارستان ) بطور رایگان فراهم و حق بیمه از آنها کسر نگردد .

۶- هر چه زودتر برای کارگران و دیگر زحمتکشان سکن بطور رایگان تهیه شود .

۷- حقوق کارگران در ایام بیماری ویا بستری ویا استراحت بدستور پزشک بطور کامل پرداخت گردد .

۸- با پرداخت کامل مزد مدت کار باید ، ساعت در هفته ( ۸ ساعت در روز ) باشد بطوریکه کارگران پنجشنبه و جمعه تعطیل شوند و در صورت کار و در برابر مسزن دریافت کنند .

۹- همه کسانی که با رژیم سابق همکاری و حقوق کارگران و دیگر زحمتکشان را باهمال کرده اند از محیط کار اخراج شوند .

۱۰- همه پیمانکاران و کارفرمایان خارجی باید از کشور اخراج و اموال آنها به نفع کارگران جمع آوری شود .

۱۱- بین کارگران و کارفرمایان از نظر تعظیلات فرقی نباشد و کارگران در سال یکبار مرخصی داشته باشند .

۱۲- آئین نامه انظباطی که کارگران را به نفع کارفرمایان اخراج و جریمه میکند باید از بین برود .

۱۳- کلیه نیروهای انتظامی مانند پلیس ، ژاندارمری و ... نباید در مسائل کارگری دخالت نمایند .

۱۴- شوراهای شرکتها و کارگاهها در همه امور شرکتها از قبیل خراج ، عزل ، استخدام و ... شرکت فعال دارند .

۱۵- استخدام و اخراج کارگران باید بر مبنای شایستگی باشد و کارفرمایان هیچ حقی در این مورد ندارند .

۱۶- کارگران باید حق اعتصاب و اعتراض داشته باشند و نباید کسی برای آنها مزاحمت ایجاد کند .

۱۷- برای کارگران فریضهگاه تعاونی ایجاد شود که با قیمت بسیار کم احتیاجات آنها را بر آورده سازند و زیر نظارت شورای خود آنها اداره شوند .

۱۸- برای کارگران مسائل ایمنی فراهم گردد و یک وده غشای گرم بطور مجانی به آنها داده شود .

۱۹- کلیه کارگران بهمانی باید رسمی شوند .

۲۰- کلیه کارگران از کار افتاده که دیگر توان کاری ندارند از کار معاف و حقوق آنها پرداخت شود .

۲۱- در مرحله اول هر شرکت با کارگاهی باید از کارگران بیکار خود منطقه استفاده کند .

۲۲- همکاران و کارکنان خارجی اخراج شوند و جای آنها به ایرانیان داده شود .

## خواستهای فوری کارگران بیکار

- ۱- برای کارگران بیکار هر چه زودتر کار فراهم شود .
- ۲- بیکارگان بیکار را شروع بکار و بیکاری بر اساس مسجراج زندگی آنها پرداخت شود .
- ۳- وام بیکاری بعد از شش ماه از شروع بکار بصورت درصدی کسی از حقوق آنها کسر شود .
- ۴- چون شرکتها از هیچ نوع قانونی در پرداخت مزد استفاا نکرده اند بنابراین شرط داشتن دفترچه بیمه برای کارگر کارگرنی که وام بیکاری دریافت می کنند ، لغو گردد .

شورای موقت کارگران ایران شهنهر ۱۳۴۸/۲/۱۱

## فدائیان انقلابی شرکت نفت

محترما ، به عرض می رسد که در تاریخ ۵/۲/۵۸ ما بس داران انقلاب کمیته سرچشمه کاری کرده اند که موج ناراضایی را در محل بهار آورده موضوع به گفتار خود ایشان و در نظر از کارگران ساکن در این محل را در حال دزی گرفته اند و شب شنبه ۵/۲/۵۸ تعدادی از پاسداران به محصل ریخته و در صورتی که ساختمان در خود معدن است آنها را محاصره کرده و به بازرسی اتاق کارگران پرداختند . از آنجا که این ساختمان وضع خرابی دارد طبیعی است جهت تعمیر در تمام اتاقها وسائلی از قبیل انبردست ، پیچ گشتی پیدا کرده اند که اکثر آنها با شخصی بوده با از طرف مسئولین رسید داشته اند و پاسداران با ضبط آنها به تمام کارگران این محل سهم دزدی زده و آنها را بسیار خشمگین کرده

## تشنه کارگران گسار در سیستان

" دفتر سیاسی طرفداران طبقه کارگر " در مسجد سلیمان ضمن گزارشی از اجتماع کارگران بیکار گیلارد سیستان ، به توضیح علل بیکاری پرداخته است . در قسمتی از این گزارش چنین می خوانیم : صبح پنج شنبه ۵/۲/۵۸ حدود ۳۰ نفر از کارگران اخراجی گیلارد و سیستان که حدود ۴ ماه قبل اخراج شده اند جلوی اداره کار شویتر گرد آمدند تا درباره بازگشت به سرکار و دریافت حقوق و مزایای عقب افتاده شان با نمایندگان کارفرما مذاکره کنند . همه کارگران این شرکت ۴ ماه قبل در رابطه با جنبش دست به اعتصاب زده و توسط کارفرما اخراج شده اند . آنان در این جا مثل تمام کارگران بیکار و در سراسر ایران با جواب آشنای " چون کار خوبیده است ، نمی توانیم شما را استخدام کنیم " روبرو شدند .

کارگران پس از اینکه تلاشهای رسمی اداره کار برای تفریقاندازی در بین کارگران به نتیجه ای نرسیده ، از میان خود چهار نماینده انتخاب کردند که بدنیال آن نمایندگان در جلو کارگران خواستهها را در ۲ ورق نوشته و یکی را به اداژ کار دادند و دیگری را در ریزن خود نگهداشتند . ولی هنوز که هنوز است کارگران هر روز می آیند و از کار خود نتیجه نگرفته اند .

در قسمت دیگر گزارش به عدم آگاهی کافی کارگران نسبت به چگونگی گرفتن حقوق خود که جزا زاره اعمال قدرت و همبستگی ، میسر نیست ، اشاره شده است .

## خواستهای کارگران بیکار در شرکت نفیج

ما کارگران بیکار شده شرکت نفیج که از تاریخ ۵/۲/۵۸ بیکار شده ایم علاوه بر اینکه حق بیکاری را به ما نداده اند حقوق چند برجی را که کار کرده ایم نیز پرداخت نکرده اند بطوریکه تعدادی از کارگران حقوق یک سال خود را دریافت نداشتند . " صفا " اعلام می کند که آقای محمد نبوی رئیس اداره کار ایران شهنهر اول آبان ماه ۵۸ ضمانت کرد که تا شش ماه برج حقوق ما بطور کامل پرداخت گردد . در این باره تا کنون هیچ اقدامی در این مورد نکرده است . حالا ما خواستههای برحق خود را در زیر اعلام می کنیم و چنانچه به آنها جواب داده نشود ، در اداره کار متحصن خواهیم شد تا به خواستههای ما پاسخ داده شود :  
۱- حقوق عقبا افتاد بطور کامل باید پرداخت شود .  
۲- حق بیمه از کارگران نباید کسر شود ، چون از امکانات برسانی هیچ استفاده ای نکرده اند .  
۳- برای کلیه کارگرنی که بیکار شده اند باید کار فراهم گردد .  
۴- حقوق مدت بیکاری باید پرداخت شود .  
۵- از کارگران نباید مالیات کسر شود .  
۶- حقوق یک ماه مرخصی کارگرنی که یکسال کار کرده اند و از مرخصی استفاده نکرده اند باید پرداخت شود .  
۷- از خواستههای کارگران بیکار متحصن در زاهدان پشتیبانی می کنیم .

## کارگران بیکار متحصن شرکت نفیج

سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان طی اعلامیه ای پشتیبانی خود را از خواستههای کارگران بیکار اعلام کرده و از همه نیروهای مبارز که از حقوق زحمتکشان طرفداری می کنند خواسته است که از خواستههای کارگران متحصن در اداژ کار ایران شهنهر پشتیبانی کنند .

## خواستهای شورای کارگران موقت کارگران ایران شهنهر

ما کارگاران شرکتها مختلف ایران شهنهر باتفاق کارگران بیکار بعد از یک راهپیمایی که بنسبیت روز جهانی کارگر در روز ۱۱ اردیبهشت (اول ماه ) انجام شد نمایندگانـ نس از خود تعیین کردیم که این نمایندگان شورای موقت کارگرـ ان را تشکیل می دهند که باتفاق قطعنامه زیر را صادر و انجام آنها هر چه زودتر از دولت خواستاریم :

۱- امور همزکشن کارگاهها بدست خود کارگران یعنی شورا های منتخب آنها سپرد شود و دولت نیز این شورا ها را باید برسمیت بشناسد .

۲- قانون کار فعلی باید تغییر کند و با کمک خود کارگران ( شورای آنها ) قانون کار جدیدی نوشته شود .

تظاهرات تراسری در کربلا در پیشانی دانشجویان حسینی

شورای هماهنگی جمعیت‌های کردستان در حالیکه آیت الله حسینی به قم مهاجر را به عنوان انجام سفر حسن نیت و نه مذاکره حول مسائل سیاسی و بویژه خود محاربه، ترک کرده‌اند، برای پشتیبانی از آیت الله حسینی و اعتراض به سانسور حاکم بر رادیو تلویزیون و بویژه سکوت در مورد سفر آقای حسینی و بنمودن اخبار مربوط به این سفر اعلام نظرات در نشر تا سر کردستان نمود. این نظرات بعد از ظهور روز پنجشنبه ۵۸/۲/۲۷ در ساعات مختلف در شهرهای کردستان، انجام گرفت. در همه شهرهای کردستان نظرات با حمایت کلیه نیروهای سیاسی و انقلابی و عده زیادی از مردم رو سرو گردید. البته حزب دمکرات تحت این عنوان که این نظرات با عتدای دولت و خلق کرد خواهد گردید جزو شرکت کنندگان نبود.

بعلت تمام این روز با توبیخ روزنامه آینه‌نگاران و تسلط اختناق بر مطبوعات و همچنین سایر روزنامه‌ها بزرگ شهید کرد اسما شریف زاده، قهرمان انقلابی ۲۷ - ۴۶ در این نظرات تجلیل از این شهید بعمل آمد و شعارهای بر علیه سانسور داده می‌شد. در مه‌باد نظرات هر کس که برای تجلیل از این شهید پس از راه پیمایی در شهر بر سر مبارک اوراق در میدان شهر رفتند در باد بود او اشعار و مطالبی خوانده شد. همچنین در طول راه پیمایی سرودی را که بیان کننده شوه مبارزه و دلاوری‌های وی بود خوانده میشد. ترجمه شعارهای نظرات عبارتند از:

- ۱- آیت الله، پشتیبانت، کارگران و دهقانانند.
- ۲- آیت الله، پشتیبانت، کارگران و دهقانانند.
- ۳- آیت الله، پشتیبانت، تمام مردم ده و شهرند.
- ۴- آیت الله، دشمنان تو کورگان استعمارند.
- ۵- آیت الله، طرفداران و همراهان همه فدائیان و بارحمتکشان و دشمنان طایفه.
- ۶- ما سانسور را محکوم میکنیم.
- ۷- سرشیزه و زور را محکوم میکنیم.
- ۸- ما سانسور یعنی فروغ گفتن حق مردم را زین بین مردم خیلی کشته داده شد، برای آزادی خون داده اند، اما سانسور هنوز مانده و همچون سیل خون ریخته میشود.
- ۹- کارگران استخوانی شوند، دهقانان از خانه بیرون رانده میشوند و تمام ظالمین در اسیرند.
- ۱۰- دولت نمی تواند ما قهقهه بازی کارش را به پیش برد. شما بنده ما تنها حسینی است.
- ۱۱- جناب آقای بارگان، نخست وزیر ایران، ما مفتی زاده را نمی خواهیم تا بحال بارها این را گفته ایم که عزالدین حسینی تنها شایسته کرده است.
- ۱۲- زمین مال دهقان است، دیگر دهقانان جا نماندند.
- ۱۳- کارگر رهبر است، دهقان سوراقت.
- ۱۴- تا حق کرد داده نشده، انقلاب تمام است.
- ۱۵- قیاده در کردستان برای توطئه چینی‌ها است. همه با هم می گوئیم باید از ایران اخراج شود.
- ۱۶- ما سانسور روزنامه ها، توبیخ آینه‌نگاران نشانه غفلت است و برخلاف خواسته مردم است.
- ۱۷- قطعا می در پایان نظرات در ۴ ماده قراشت شد که پس از اشاره به مبارزات خلق کرد بدین شرح میباشد: اینک که ما شرکت کنندگان در این راه پیمایی که بمناسبت پشتیبانی مجدد از حضرت آیت الله شیخ عزالدین حسینی ترتیب یافته، ضمن اعتراض به سکوت رادیو تلویزیون در مورد سفر آیت الله حسینی، قاطع خود را از آیت الله حسینی بعنوان تنها شایسته رهبر واقعی خلق کرد اعلام داشته و تقاضای مبارزه را با اعلام مبارزه می‌کنیم: ۱- بار دیگر پشتیبانی خود را از شایسته و رهبر منتخب خلق کرد یعنی حضرت آیت الله حسینی اعلام می‌داریم. ۲- بار دیگر هرگونه اتهام ناروا از سوی عناصر مرتجع در هر گوشه‌ای از ایران را بشدت محکوم نموده و آنرا توطئه‌ای برای ناپحال نمودن حقوق خلق کرد یعنی خودمان را می دانیم. ۳- سکوت رادیو تلویزیون را در مورد سفر آیت الله حسینی تنها شایسته واقعی خلق کرد بشدت محکوم نموده و خواهان الفای سانسور به هر شکل و بهر نوعی در رادیو تلویزیون هستیم. ۴- ما بار دیگر پشتیبانی خود را از قطعه‌نامه ماده ای مه‌باد و شهنج اعلام می‌داریم.

چرا کارگران شرکت‌های خنثی با اعراض خود مخالفتند؟

در مسجد سلیمان، اهواز، اهواز، اهواز و دیگر شهرهای خوزستان، کارگران زیادی هستند که در شرکت‌های خنثی مانند "سدیران"، "هالستون"، "سن تاف"، "سدیران بکن" و... مشغول بکارند. این کارگران که تا کنون جوانی و قوتشان در زیر آفتاب سوزان تابستان و سرمای گزند زستان، صرفی کردن جیب‌های سرپایه داران و امپریالیستها شده‌است، حالا بطرز ناجوانمردانه‌ای از طرف شتی سرمایه داران سودجو در معرض اخراج قرار گرفته‌اند. این سودجویان به کارگران مانند بیج و مهربانی نگاه می‌کنند که هر وقت به کارشان نیامد آنرا دور می‌اندازند. در این شرایط خاص که ما در ایران با انبوه بیکران کارگران بیکار و سرگردان هستیم، بیرون راندن این کارگران از سر کارشان به چه معنی است؟ آیا دولت بجای حل مسئله کارگران بیکار به مسئله بیکاری، دامن نمی‌زند؟ بدلیل بالاست که کارگران شرکت‌های خنثی در عین حالیکه بطور مشخص از هر اقدام ضد امپریالیستی دولت در مورد صورت و کنترل میزان آن حمایت می‌کنند، ناطعانه خواهان جلوگیری از اخراج و در بدی خود نیز هستند و به هیچ وجه حاضر نیستند که از حقوق مسلم خود که باقی مانده بر سر کارشان است، صرفه‌کشانند.

کارگران تجسسه تلخ کارگران سالی دوماهی شرکت نفت را که هنوز هم در بدیر هستند، فراموش نمی‌کنند و به همین دلیل هم اکنون حتی ویدسالی سه ماه حق اخراجی و معادل پنج ماه پرداخت فوق العاده هم کارگران نمی‌فرستد و به کارگران بخی می‌داند که با نوشتن استغای خود همانند سالی دوماهی‌های سابق زندگی تیرمباری که با بیکاری و آوارگی و... همراه است، انتظارشان را میکشد.

با اتحاد خود توطئه سرمایه داران را بر علیه کارگران خنثی کنیم  
"دختر سبکس" طرفداران طبقه کارگر مسجد سلیمان

تحصن کارگران شرکت آرمه

تومان را گرفته‌اند و وعده ای هم سری به محل تحصن می‌زنند برای اینکه ببینند اگر پولی پرداخت می‌شود، آیا باز بگردند و اگر خبری از پول نباشد، می‌روند.

یکی از کارگران تحصن می‌گفت که: در این مدت نه تنها به خواست ما رسیدگی نشده بلکه حتی کارکنی و اینها هم می‌کنند. شبهای اول تحصن ساعت ۱ بعد از نیمه شب کولر را روشن کرده و همین زندان این با ما رفتار می‌کردند. کمیته روزهای اول می‌آمدند و وعده‌ای از کارگران را می‌کردند که محل تحصن را ترک کنند. یکی دیگر از کارگران اضافه می‌کرد که: تا موقعیکه ملک زاده (کارفرما) گرفته و تحصیل کمته داده بودیم به حرفهایمان گوش می‌دادند ولی از زمانیکه امر انتظام، ملک زاده را آزاد کرده، دیگر کسی به حرف ما محلی گذارد. در ضمن کارگران این شرکت طی نامه‌ای خواستهای خود را به امام خمینی نیز فرستادند که در زیر می‌آید.

- ۱- بازگشایی کارخانه
- ۲- پرداخت حقوق عقب افتاده با عیدی و حق اولاد و مسکن
- ۳- شرکت حق بیرون کردن کسی را نداشته باشد مگر اینکه بجای او کارگر دیگری را استخدام کند.
- ۴- برگزاری کارگاه‌های آموزشی و فرهنگی برای کارگران و خانواده‌های آنها.
- ۵- آموزش (۲/۲۵) تعداد کارگرانی که در آنجا بودند از ۳۰۰ نفر بیشتر نبودند. چون عده ای رفته و آن هزار

(بسمه تعالی) ۱۳۵۸/۲/۲۲

نامه سرگاماده به پیشگاه زهیر عالیقدر انقلاب امام خمینی و ملت قهرمان ایران ضد انقلاب و توطئه گران را معرفی می‌کنیم، ما از مقامات مسئول میخواهیم در احقاق حقوق ما از جفاکاران ما را یاری دهند،

ما کارگران شرکت آرمه - تسلا و شرکت‌های وابسته مدت دو ماه است که در جهت احقاق حق خود به هر دری زداییم. در وزارت کار تا کنون دو موافقت نامه بین نمایندگان کارگران و کارفرما و نماینده وزارت کار به امضا رسید است.

کارفرما با پنهان کردن خود حاضر نیست جوابگوی خواسته بحق کارگران باشد و موافقتنامه‌ها را اجرا نکرده است. ما از تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۷ در محل دفتر مرکزی شرکت تحصن شده و مراتب را طی تلگراف به مقامات مسئول اطلاع داده ایم.

کارفرما از مغفبه خود باند مافیائی اش را در جهت سرکوب ما کارگران با همان روشهای بی‌شرمانه دوران طاقت رهبری می‌کند. پارهای از توطئه‌های او به شرح زیر است:

- ۱- کارفرما با نشر اکاذیب و چاپ آگهی در نشریات قصد دارد که خواسته بحق کارگران را با پامال نموده و دروغ جلوه دهد. من بایستال به آگهی مورخ ۱۳۵۸/۲/۱۶ در روزنامه آینه‌نگاران اطلاع مینمایم.
- ۲- در حضور ما عامل کارفرما با نمایندگان ما وارد مذاکره شدند که آنها را تخمین نمایند ولی با جواب رد کهنه آنها مواجه شدند. چون از این راه نتیجه‌ای نگرفتند آنها را تهدید کرده‌اند. هر اتفاقی که برای نمایندگان ما پیش آید کارفرما مسئول است.
- ۳- با اصرار نفوذ برهنه ما را در وزارت کار از زسر دست آقای مهندس اسکوتی عضو کمیته ویژه سازمانی وزارت کار که به پرفرمانه رفتار میکرد خارج نموده است و در اختیار یک فرد غیر مسئول گذاشته‌اند. این شخص به عنوان مختلف حتی با تهدید عده ای از همکاران ما را وادار نموده است که در مقابل دریافت وجوه بسیار ناچیز از حق خود صرف نظر نمایند. در این مورد تقاضای رسیدگی داریم.
- ۴- در پایان اضافه می‌کنیم که در کوران انقلاب ما از زهیر عالیقدر خود امام خمینی آموخته ایم که چگونه از حقوق قانونی خود دفاع کنیم و مستبدان را معرفی نمانیم.

بنابر این ما حصول به خواستهای برحق خود در تحصن خواهیم بود.

(کارگران شرکت آرمه - تسلا - شرکت آرمه و شرکت‌های وابسته)

ادامه از صفحه اول مراسم صدمین سالگرد ... با گرداندن اختیاری همه جانبه، سرخ کنند آنها با شعارهای نظیر "مرگ تریومفک"، "ارتجاع تا نبود است" - انقلاب بنهرواست "مزم خود را برای مقابله با توطئه - های ارتجاع و امپریالیسم اعلام نمودند.

این مراسم مشت محکم خود برده‌ها را بر انصار طلبان تنگ نظران سیاسی که دنیا را تنها از دیدگاه تنگ و تاریک خود مشاهده میکنند و انسانیت برایشان در جابلوسی و تحسب کورگورانه غلامه میشود.

اگر آنها انسانهای آزاده‌ای می بودند همین شرساری آنها را پس بود که تنها پس از سه ماه از قیام بهروز - مندانه بوده‌ها، سبب جمعیت یکمدا خود را از آزادی ۲۲ زندانی فدائی بودند و فریاد میزدند: "چریک فدائی آزادی باید گردد" - فریاد و عده‌ای جمعیت و سخنان بسک ما در فدائی داغ ننگی بود بر پیشانی کسانی که قدرت

خود را در غریبه زدن و آزار و بیکرد نیروهای انقلابی و مارکسیست - لنینیست می‌بینند

در این روز انحصار طلبان سیاسی مذموبانه کوشش کرده بودند تا با ترتیب دادن یک سخنرانی در محل دیگر که از خلوق گمانی چون قیله رانده و چمران منموم الحال بیرون می‌آمد - آنهم درست در ساعتی که این مراسم برگزار می‌شد (۵ ساعت) - بخیال عام خود در مقابل این گردهمایی قدرت نمایی می‌نمایند.

آنها همچنین با تحریک ده‌ها ولگرد نا آگاه سعی کردند این مراسم را بهم بزنند ولی سنگ آنها بهود نخورد

"عقیده مرفعه کردنی است نه تحصیل کردنی"

"دست انحصار طلبان از انقلاب ایران کوتاه"

"ما سانسور مطبوعات و رادیو تلویزیون مبارزه کنیم و... شعارهای بود که بر پلکار ده‌ای اطلسراف دانگاه نقش بسته بود.

### مبارزه بخاطر راديو تلويزيون آزاد

علامه زبیر که توسط گروهی از کارکنان مبارز راديو تلويزيون نشر یافته، مسافر روزه سختی است که کنگران مبارز و متعهد راديو تلويزيون با انصار طلبان و اشغالگرانی که این و مسائل مهم ارتباط جمعی که به تمام خلقهای ایران تعلق دارد، و آنها به بلندگوی خود تبدیل کرده اند، جریان دارد.

### کمیته مرکزی حزب توده و مطبوعات مرفی

در شرایطی که مطبوعات آزاده مورد اشواغ و اقسام توطئه ها و بورش های فاشیستی توسط چماق جنستان واقع میشوند، در شرایطی که امپریالیسم - یسست عواملشن - نقشه آکا ها نه تعطیل مطبوعات منتقد و مرفی را بیاده میکند، در شرایطی که انصار طلبان و فرصت طلبان با سو استفاده از آکا های و بیخبری سدهای، در پی منافع پست گروهی خود به شکستن قلم ها و بریدن زبانها همت گماشته اند! در شرایطی که فاشیسم، چهره کثیف و منحوس و فد خلقی خود را با تمام وضوح نشان میدهد، آری در چنین شرایطی، در چنین شرایطی که میبایست تمام نیروهای انقلابی و مردمی و سوسیال مارکسیست - لنینیست ها به افتای توطئه های امپریالیسم و ارتجاع بپردازند، در چنین شرایطی که میبایست پرده ربا و فریبکاری را از چهره مژور انصار طلبان و این-الوفتها پاره کرد، در چنین شرایطی که میبایست از مطبوعات آزاده و مرفی دفاع و پشتیبانی نمود، در چنین شرایطی که میبایست از آزادی و آزادگی بیباک تمام وجود خود حمایت و پاسداری کرد، کمیته مرکزی حزب توده که مدعی رهبری حزب طبقه کارگر ایران و اعتقاد به مارکسیسم - لنینیسم است، چهره کثیف، فرست طلب و ناعدمی خود را در یک مورد مشخص دیگر با تمام گراهنش نشان میدهد. این فرصت طلبان که در آرزوی جاه و مقام به هر کوشش و ضلغلی دست میازند، در چنین بحیره ای به روزنامه های مرفی میازند و همبا انصار طلبان و دروغپردازان آنها را تحریفگر و تحریک کننده و ... میخوانند، و بدین ترتیب، در حالیکه با مطلع به افتای چنین روزنامه های میپردازند، با چشمان ملتمس و مودی خود انتظار نوازش و مرحمت معاد قدرت را بنظر خوشترمی و سر - براهی شان دارند. اما اگر روزی بویست ها، در صیگر کشورها و در طول تاریخ با کوشش و زانو زدن در مقابل بورژوازی و خرده بورژوازی بهره ای بردند، کمیته مرکزی حزب توده هم ۱۰ ز اینهمه سازگاری غیبتکارانه طرفی خواهد بست. اینجا و تمام روزی بویست ها سازش ها و کوشش ها بشان در برابر بورژوازی، نه تنها بی بهره و نتایج و زحماتشان که به خود نیز خیانت میکنند. سرنوشت "برادران" کمیته مرکزی حزب توده در عراق که توسط فاشیست های بعثی عراق گروه گروه بی حوجه اعدام برده میشوند، میتوانست تجربه و درس خوبی باشد برای این آقایان، در مورثیکه ما هیئتی مردمی داشتند و دچار غطای تاکتیکی و با معرفتی شده بودند، ولی این روزی بویست ها بنا به ماهیتشان نمیتوانند از این موارد مشخص و زنده تاریخی درس بگیرند.

هیملکی های کمیته مرکزی در عراق مگر چه کردند؟ آنها در تلاش برای رسیدن به موضع قدرت و پاسداری از منافع سبکو بزرگترین خیانت ها را به جنبش کمونیستی عراق و عناصر مادی و ناآگاه خود مرتکب شدند. آنها با سازشهای خیانت آمیز خود باعث شدند که دسته دسته کمونیست ها به زیر تیغ جلان بعثی فرستاده شوند، و در پیروی از این سیاست، خود نیز از قربات چانگنا به بعثی های فاشیست در آمان نماندند، ولی هنوز هم برای سرانجام خود ادامه میدهند، تا شاید که ترجمه بورژوازی عراق را برانگیزانند ... و برای حزب توده ایران اگر سرنوشتی همسان "برادران" عراقی شان وجود نداشته باشد، بی گمان آینده ای بهتر از آنها نخواهد داشت. حال بگذار شما میتوانست سیاست های نادرست قدرت حاکم را توجیه کنید، شعارهای مذهبی سر دهند، ضلغ و چاپلوسی قدرتمندان پیشه سازند، همبا با انصار طلبان، مارکسیست - لنینیست های راستین را شُ و لعین کنند ... و سیاستهای خیانت آمیز دیگر را ادامه دهند.

### پیش بسوی ایجاد پو ندهای محکم سند پکایی

هنگاران مبارز!

در شرایط حاضر وضعیت نا سهاج راديو و تلويزيون درمورد نحوه مدیریت سازمان و شیوه سازمان بزرگترین وسیله روشنگری بوده ای امدهای مردم ایران را از زمانی که برایش مالیات میبرد از بندیدل بیاس کرده است، عدم آگاهی و سوخت و غیبت مدیریت تحمیلی راديو و تلويزيون بادرنگر شرایط استعمار و استعمار و اعتناق وعدم کارایی راديو سازمان حاکم کرده و نیز ستمکن کننده آن از طریق آتش راديو و تلويزيون به ملت ستمیده ایران شده است.

از آنجا که شکل رهبری راديو و تلويزيون جای تردیدی در ماهیت فدرمسی آن باقی نگذاشته است، ما گروهی از کارکنان راديو و تلويزيون اعلام میداریم:

- ۱- تجربه نشان داده است که شرکت و همکاری با رواسی تحمیلی به قصد تاثیر بر تصمیم گیریها، عملا کارگزاری تصمیمات غلط مدیریت دستگاه خواهد بود.
  - ۲- برچیدن سانسور و مبارزه با اخناق که از زمان انصاف متشکل کارکنان در رژیم گذشته تشدید شده بهیچوجه منتخجه نرسیده، بلکه طبرغم انقلاب عظیم ملت ایران، اخناق و سانسور به شدیدترین نحوی در راديو و تلويزيون حاکم شده تا آنجا که عملا این وسیله ارتباطی را خدمنگزار صدیق ارتجاع و استعمارگر کرده است.
  - ۳- ما دام که مدیریت فوکا مه فردی بر سازمان حاکم باشد، از مبارزات دمکراتیک نمیتوان انتظار نتایج ریفته داشت. بنا بر این یک ایجها ت مبارزه باید با جدیتک دمکراتیک مردمی برای اداره راديو و تلويزيون برپا شد.
  - ۴- از همه هنگاران مبارز دعوت میکنیم ضمن تحدید سازمان و اصلاح و تصفیه تشکیلات مبارزاتی قبلی ما نند شورای موسی اتحادیه و سندیکای برنام سازمان و ثوراهای مراکز شهرتتها تمام هم خود را در جهت استحکام و ایجاد میانی و پیوندهای سندیکای داشم مشی محکم و ثابتی در مقابل فشار ارتجاع و اخناق اتخاذ کنند بکاربرد تادهر شرایطی ستوا شیم در جهت آزادی و روشنگری و اجبا دم مدیریت دمکراتیک متطبق بر خواسته های ملت ایران اقدام کنند.
  - ۵- فعالیت سندیکای ضمن انتخاب احتمالی مبارزه، منعی بمنظور طرد عوامل و شرایط ارتجاع با بد فعالیتهای حرفه ای را نشدیده و عرضه و نمایش آنها در خارج از راديو و تلويزيون به نظر قرار دهد.
- مبارزه تا حصول راديو و تلويزيونی آزاد و مودی و روشنگر!  
گروهی از کارکنان راديو و تلويزيون

## یورش به مطبوعات، گامی دیگر در راه تعرض به آزادی است!

در روزنامه آبنندگان روز پنجشنبه بیستم اردیبهشت ماه، خبری از قول آیت الله خمینی در محاسبه باخیر نیکار روزنامه فرانسوی لوموند درج گردیده بود. اصل خبر، که از خبرگزاری پارس و خبرگزاری فرانسه نقل شده است، هرگز از جانب دفتر امام با مقامات دولتی مورد تکذیب قرار نگرفته در این خبر احتمال انجام تروژه های غیر ( سرلشکر قره سی و آیت الله مطهری ) توسط ایرانیا ن چبگرا، رفته بود. خبر مذکور قبلا در پیش خبری راديو ما ست ۷ بعد از ظهر روز چهارشنبه بهمان شکل بخش شده بود. لکن پس از صدور یک اعلامیه از دفتر امام، مبنی بر عدم رعایت آبنندگان در درج خبر ( بدون آنکه اصل خبر مورد تکذیب قرار گیرد )، کارزار تبلیغاتی چند جانبه ای علیه روزنامه آبنندگان ( و چند روزنامه دیگر ) به راه افتاد.

سازمان "خود پدیدار" راديو تلويزيون، با استفاده از این فرصت تبلیغی، به عنوان بریدهای این کسارزار هیستریک وارد صحنه شد. در این روزهای بحرانی که پیش از هر موقع دیگر، خلق نیازمند وحدت و یکپارچگی است تمام هم و غم خود را صرف مبارزه علیه آزادی مطبوعات، تحریک و تشویق مردم و تصفیه حسابهای خصوصی سرباست این سازمان با مطبوعات نمود. بدینا ل این تحریکات دادند دار و برنام به روی شده توسط بعضی جناحهای ماکروفا رهائی که از جانب قریبترین گورول با ساده دل بعمل آمد، انتشار روزنامه آبنندگان متوقف گردید.

این واقعه که نه صادقی است و نه منفرد، بدینا ل یک سلسله وقایعی که قبلا به وقوع پیوسته بود و هنگی به منظور فشار به نیروهای انقلابی و دمکراتیک صورت گرفته، گام دیگری بود در راه محدود کردن و عقب راندن خواستهای دمکراتیک بوده ها و به پیش تازاندن سرکوب و اخناق، این عملیات که تا بحال به کرات علیه سازمان های انقلابی چون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق و ... علیه فرزندان مجاهد بزرگ آیت الله طالقانی و علیه کارگران و گروههای آزادیخواه ( زنان، دانشجویان و غیره ) صورت پذیرفته است، حاکی از خراکاتی مبرشی است که هنگی در جهت ایفاء رژیم سرکوب و وامسگی به امپریالیسم، صورت می پذیرد. مردم ایران برای کسب آزادی، علیه استبداد، ارتجاع و امپریالیسم قیام کردند، جنگیدند و قربانی شدند.

دادند، با پس گرفتن آزادیهای که با خون و مبارزه بدست آمده است، ضو بهی به همه مردم ایران و نادیده گرفتن خواست آنها است. مردم ما دستاوردهای گرانقیمت این جنبش و آزادیهای منافی، سیاسی، عقیدتی، فرهنگی و غیره را به هیچ قیمتی به دیکتاتورمنش های نوظهور نخواهند سپرد و به هیچ رو، پس از سه ماه که از قیام میگذرد، و باره سرکوبی و اخناق را نخواهند پذیرفت.

چلوگری از افراوه انتشار " آبنندگان " نه فقط توهینتی به این روزنامه و کارکنان آن بلکه بی احترامی، تحقیر و سلب حقوق صدها هزار خواننده این روزنامه است که دیگران آنها را بالغ ندانسته و خود را قیم آنها می پندارند و بجای ایثان تصمیم میگیرند.

دارو دسته دغلیان حزب توده، که همزمان و هماهنگ با حمله علیه آبنندگان، به جهت زنی به این روزنامه پرداخت می پندارند که با آواز خوانی در این ارتکشر تکفیر و تعصب، نمیتواند در گوشه محراب جناحهای حاکم جای برای خود بیابد. اینان بار دیگر ثابت کردند که نه تنها کاملا به روشهای مد دمکراتیک خود وفادار نیستند بلکه اصولا به ماهیت جنبش مردم ما نیز کلکی بی اعتنا هستند. جای تعجب نیست اگر این نوکران شوروی، امروز به گامه لسی میبزمین مذهبی پروا خته و می خواهند با بنترتیب در محضر آنان نقل تصمیم بایستند. مردم ما گسول این بیژگان بند و بست و دشمنان آزادی و استقلال خلق را نیز نخواهند غورود.

در این میان فراوان بودیم که تنیکه راه ما نشان تا در پیش گرفته و حمله به روزنامه آبنندگان را با سکوت یا با اشک تصاح بزرگوار کردند. این رفقای نیمه راه آزادی که با این اعمال خود در واقع سازگاری و محافظه کاریشان را آشکار کردند و در برابر اولین شهید سرکوبگران منضم، سر تعظیم خم کردند، غافل از این حقیقت میباشد که این چماق بزودی بر سر همه آنان فرو خواهد آمد و ترسوشی آزادمردمی، این سنگهای حق طلبی و افتخاری را یکی پس از دیگری در هم خواهد شکست.

کشور ما در موقعیت سیاسی خاصی قرار دارد. مطبوعاتیک از ضروریات مرفرظنا کردنی بشیرد و تقویت و رشد آزادیهای بیچنگ آمده هستند و مانی اساسی بر سر راه خفه کردن آن در نظرند. میباید دفاع آزادی بیان و قلم بیکار و وظایف اساسی هر نیروی کمونیست و در برابر هر نیروی دمکراتیک است. مطبوعات بدون سانسور، همچون چراغی راهما برای مردم، و آگاهی دهنده، علیه ظلمتی هستند که فرور جنبش ما را شهید میکند. و غفلان و سانسور مطبوعات عاملی است که راه را برای رشد مجدد امپریالیسم و شکست سریع انقلاب بازم کند.

ما، این حمله آزادی مطبوعات را قویا محکوم میکنیم و از مبارزه تمام روزنامه نگاران مرفی در راه دفاع از مطالبات مردم ایران پشتیبانی میکنیم.

کنفرانس وحدت در راه آزادی طایفه کارگر ۱۳۵۸/۲/۲۵